حیات طیّبه

خلوت انس

بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی در اهمیّت، آداب، و آثار نماز

CamScanner

فهرست مطالب

فصل اوّل: خلوت انس ۱

۱- مفهوم و حقیقت نماز ۳

مفهوم اصلی نماز ۳

بزرگ‌ترین نعمت الهی ۳

سرمایه‌ی عظیم نماز ۴

فطرت انسان؛ نیازمندِ نیایش با خدا ۵

۲-جایگاه نماز ۵

اوّلین واجب ۵

معبر اصلی سلوک انسان برای دستیابی به غایت حیات ۶

مهم‌ترین ابزار تذکّر دائمی ۶

رکن اصلی دین و پشتوانه‌ی مستحکم در مبارزه با شیطان ۷

میراث ادیان گذشته ۸

وسیله‌ای برای زدودن زنگارها و عروج الی‌الله ۸

وسیله‌ای مستحکم و دائمی برای ارتباط با خدا ۹

بزرگ‌ترین فریضه و مؤثّرترین ابزار در عرصه‌ی جهاد اجتماعی ۹

معنایافتن جهاد به‌وسیله‌ی نماز ۱۰

سه خصوصیّت عمده‌ی نماز و نقش آن در تهذیب نفس و پرورش روان انسان ۱۱

فصل دوّم: پرواز تا ملکوت ۱۳

الف-آثار فردی ۱۵

مهم‌ترین عمل برای رسیدن به قلّه‌های سعادت ۱۵
مایه‌ی آرامش دلها و برطرف‌کننده‌ی نگرانی‌ها ۱۷
عامل سرور و نشاط حقیقی ۱۸
یاد خدا؛ تضمین‌کننده‌ی صحّت عمل و استقامت در مسیر ۱۹
اذکار نماز؛ موجب آشنایی بیشتر با معارف الهی ۲۰
تأثیر نماز در استحکام و تقویت صبر ۲۰
حفظ ارتباط با خدا به‌وسیله‌ی نماز ۲۱
نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین نیاز ارتباط معنوی با خدا ۲۲
رهایی از پوچی و بی‌هدفی و ضعف ۲۲
مانع فسادپذیری انسان ۲۳
نورانیّت نماز؛ ازبین‌برنده‌ی ظلمتِ گناهان ۲۴
بازدارنده‌ی از فحشا و منکر ۲۴
داروی شفابخش ۲۵
علاج تکبّر ۲۶
ب-آثار اجتماعی ۲۷
نماز؛ شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی ۲۷
اقامه‌ی جامعه‌ی دینی به‌وسیله‌ی نماز ۲۸
جامعه‌ی نورانی در پرتو نماز خاشعانه ۲۸
نماز؛ کلیدی‌ترین عنصر اصلاح فرد و جامعه ۲۹
ترویج نماز، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی ۲۹
امنیّت جامعه؛ ثمره‌ی اقامه‌ی نماز ۳۰
عامل مهمّ انضباط و انتظام اجتماعی ۳۰
قدرت لایزال در برابر جبهه‌ی فساد ۳۱
عظمت و عزّت کشور در سایه‌ی قرآن و اسلام و نماز ۳۱
پشتوانه‌ی معنوی تمام مجاهدتها و ایثارها ۳۱
حیات طیّبه‌ی جامعه در گرو تحقّق اقامه‌ی نماز ۳۲
به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به برکت گرایشات معنوی و تقیّد مردم به نماز ..۳۲

فصل سوم: ادب حضور ۳۵
۱-حضور قلب در نماز ۳۷
نماز با حضور قلب، هماهنگ با تمام آفرینش ۳۷

تربیت و تقویت روح با توجّه در اذکار و معانی نماز ۳۷
دل دادن به پروردگار در نماز ۳۸
نمازِ با توجّه؛ اکسیر اعظم ۳۹
نماز از سر غفلت؛ عامل قساوت قلب ۴۰
نماز بی ذکر و حضور؛ کالبدی بی‌روح ۴۰
کم‌اثر بودن نماز بی‌توجّه ۴۰
کسالت در نماز نتیجه‌ی بی‌توجّهی و مخاطب قرار ندادن خدا ۴۱
تمرین برای ایجاد حالت تمرکز در نماز ۴۳
توجّه به مخاطب بودن خدا در نماز ۴۴
لزوم یاد گرفتن معانی اذکار نماز ۴۵
۲-نماز اوّل وقت ۴۵
کسب فضیلت اوّل وقت و دفع آفات تأخیر ۴۵
ضرورت پرهیز از ترک نماز اوّل وقت ۴۶
اقامه‌ی نماز اوّل وقت در ادارات ۴۶
۳-اخلاص ۴۷
یک رکعت برابر با هزاران نماز ۴۸
نماز با اخلاص؛ بالاترین عبادتها ۴۹
دعا؛ درمان درد بزرگ بی‌اخلاصی ۴۹
۴-خشوع ۵۰
۵-صحیح‌خواندن نماز ۵۱
۶-سبک نشمردن نماز ۵۲
صرف وقت برای نماز، حدّاقل به‌اندازه‌ی کارهای دیگر ۵۲

فصل چهارم: شوق وصال ۵۵
تأثیر مستحبّات نماز در ایجاد حضور قلب ۵۷
انجام صحیح نماز فریضه؛ زمینه‌ساز اشتیاق به نوافل ۵۷
توصیه به نماز شب برای تحمّل بار سنگین مسئولیّت ۵۸
صفای روح و دل؛ تنها به‌وسیله‌ی نماز و ذکر و توسّل ۵۹
تا آنجا که میتوانید نماز شب بخوانید! ۶۰
نماز شب دورکننده‌ی گناهان ۶۰

فضیلت نماز جعفر طیّار(علیه‌السّلام) ۶۲
استفاده از فرصت ماه مبارک رمضان برای ادای نمازهای نافله ۶۴

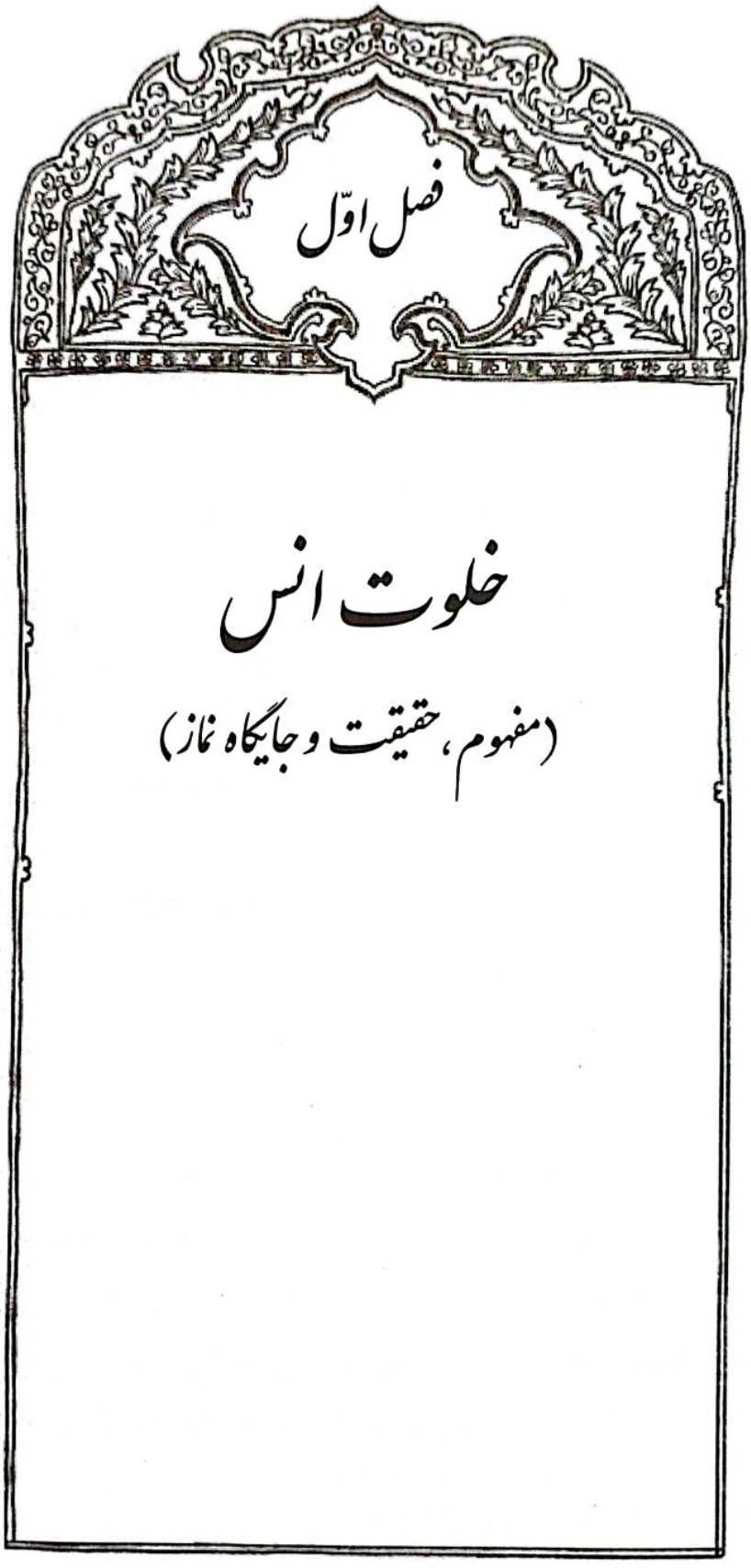
فصل‌پنجم: ستون خیمه‌ی دین ۶۵
اقامه‌ی نماز؛ نشانه‌ی مؤمنان ۶۷
معنای حقیقی به‌پا داشتن نماز ۶۷
اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی به‌وسیله‌ی نماز ۶۸
رسیدن به جامعه‌ی آرمانی با قرار گرفتن نماز در جایگاه خود ۶۹
اقامه‌ی نماز در کشور اسلامی از واجب‌ترین فرایض ۶۹
وظیفه‌ی آحاد جامعه در اقامه‌ی نماز ۷۰
دعوت به نماز، دعوت به زیباترین جلوه‌های زندگی ۷۲
اهداف بلندمدّت، میان‌مدّت و کوتاه‌مدّت اقامه‌ی نماز ۷۲
لزوم شنیده شدن صدای اذان در سراسر شهر ۷۳
ضرورت پخش صدای اذان از مساجد ۷۳
برپا داشتن نماز؛ نخستین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان ۷۴
مسئولیّت ترویج نماز برعهده‌ی آشنایان با معارف اسلامی ۷۵
رسالت صداوسیما و دیگر رسانه‌ها در ترویج فرهنگ نماز ۷۵
ضرورت در نظر گرفتن پیوست مسجد و نمازخانه برای تمام طرحهای بزرگ ۷۶
ضرورت رعایت اوقات و امکانات اقامه‌ی نماز در پرواز هواپیماها و حرکت قطارها .. ۷۷
مقایسه‌ی اقامه‌ی نماز در دو دوره‌ی قبل و پس از انقلاب ۷۸
شاخصهای اقامه‌ی نماز ۷۹
۱-همگانی شدن نماز ۷۹
۲- نیکو به جای آوردن نماز ۷۹
۳- رونق مساجد و افزایش نمازهای جماعت ۷۹
۴- طرح مسئله‌ی نماز در عرصه‌ی مطالعات و تحقیقات علمی ۸۰
۵-بیان درسهای نماز در برنامه‌های صداوسیما ۸۰
۶-احداث نمازخانه‌ی مناسب در اماکن عمومی و دولتی ۸۱
۷-حضور افراد شاخص و بزرگان جامعه در نمازخانه‌ها ۸۱
توصیه‌های راهگشا برای اقامه‌ی نماز ۸۱

فصل‌ششم: قرارگاه مؤمنان ۸۵
نماز جمعه ۸۷

جایگاه نماز جمعه در روایات اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) ۸۷
نماز «عبادی ـ سیاسی» جمعه ۸۸
نماز جمعه، نماد ذکر خدا و جنگ با دشمنان ۸۹
احیاء نماز جمعه یکی از بزرگ‌ترین خدمات حضرت امام(رحمة‌الله‌علیه) ۹۰
نماز جمعه، برهم‌زننده‌ی نقشه‌ی دشمنان اسلام ۹۰
علّت تبلیغات دشمنان علیه نماز جمعه ۹۰
نماز جماعت ۹۱
نماز جماعت؛ مظهر همدلی و همکاری اجتماعی ۹۱
نماز جماعت؛ عامل ایستادگی و شجاعت در مقابل دشمنان ۹۲

فصل هفتم: بهارعبادت ۹۳
دوران جوانی؛ بهار عبادت ۹۵
لزوم تمرین برای خواندنِ نمازِ خوب در سنین جوانی ۹۶
توصیه به جوانان برای انس با نماز و انجام نوافل ۹۶
لذّت ذکر الهی و انس با خدا؛ مافوق همه‌ی لذّتها ۹۶

فصل هشتم: انقطاع‌الی الله ۹۹
وصف امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) در محراب عبادت ۱۰۱
جِدّوجَهد حضرت زین‌العابدین(علیه‌السّلام) در نماز ۱۰۱
نماز و گریه‌های نیمه‌شب امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) ۱۰۲
آخرین روز حیات امام(رحمة‌الله‌علیه) ۱۰۳
انس با معنویّات و عبادات در دوران نوجوانی ۱۰۳
فارغ از همه‌ی عالَم ۱۰۵
اگر دنیا و آخرت را میخواهی نماز شب بخوان! ۱۰۵
نجوای نیمه‌شبِ میرزا جواد آقای ملکی تبریزی(رحمة‌الله‌علیه) ۱۰۶
انقطاع الی‌الله ۱۰۶


فصل اوّل
خلوت انس
(مفہوم، حقیقت و جایگاہ نماز)

۱- مفهوم و حقیقت نماز

مفهوم اصلی نماز

مفهوم اصلی نماز عبارت است از خضوع انسان در مقابل پروردگار و عمل انسان به فرمان پروردگار؛ این آن عنصر اصلی نماز است که در حاشیه‌اش هم چیزهای دیگری وجود دارد.[۱] حقیقت آن است که هرگاه در میان مردمی، نماز ـ با همه‌ی شرایطش ـ رواج داشته باشد همین یک واجب الهی آنان را تدریجاً به همه‌ی نیک‌بختی‌ها میکشاند و خیمه‌ی دین را در زندگی آنان برپا میسازد.[۲]

بزرگ‌ترین نعمت الهی

یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا نماز است. نماز به ما این فرصت را میدهد که هر روزی چند بار ناگزیر با خدای خودمان حرف بزنیم، با خدای متعال تخاطب کنیم، از او کمک بخواهیم، به او عرض نیاز کنیم، سرسپردگی خودمان به ساحت ربوبی را با این تضرّع و با این نیاز تقویت کنیم. بزرگان به نماز خیلی اهمّیّت میدادند. نماز در اختیار همه است.

---

۱. در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره ۱۳۷۰/۷/۲۴

۲. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

غالباً قدر نماز و اهمّیّت نماز را نمیدانیم. فقط این نیست که باید یک اسقاط تکلیفی کرد؛ نه، یک فرصت بزرگی است که باید از آن استفاده کرد. فرمود نماز مثل چشمه‌ی آبی است درِ خانه‌ی شما، که روزی پنج بار شما در این چشمه‌ی آب شستشو میکنید.[۱] این شستشو میتواند برای دلهای جوان آثار ماندگاری داشته باشد.[۲] این، آن بار عام است؛ دست همه هست؛ در اختیار همه هست. مجبور هم هستیم نماز را بخوانیم؛ نماز سرمایه‌ی بسیار خوبی است. واقعاً باید متوجّه باشیم و از خدای متعال، مکرّر تشکّر کنیم که این نماز را برای ما قرار داد؛ اگر این نماز را قرار نمیداد و واجب نمیکرد، چه میشد؟ دور می‌افتادیم؛ بی‌نمازها دور می‌افتند؛ بسیار دور می‌افتند؛ بسیار پرت می‌افتند؛ بسیار غافل میشوند و دلهایشان بسیار سخت میشود.[۳]

سرمایه‌ی عظیم نماز

اگر سرمایه‌هایی را که در اختیار داریم، درست بشناسیم و به کار ببریم، بی‌نیازترین خلق خدا، ملّت ما و مسلمانها خواهند بود. همین نماز، یکی از سرمایه‌ها است. نماز را میخوانیم، با غفلت عبور میکنیم؛ مثل این است که یک انسان مبتلا به فقر غذایی، کمبود ویتامین، کمبود پروتئین، محتاج موادّ لازم، به یک جعبه‌ای دسترسی پیدا کند که پر از همه‌ی این موادّی است که او احتیاج دارد؛ بعد آن را بو کند، کنار بگذارد! خب، باز کن، بخور، استفاده کن، نیرو را بفرست به بدن خودت؛ همین‌طور بو میکنی،

---

۱. «قال رسول‌الله(ص): لو کان علی باب دار أحدکم نهرٌ فاغتسل في کلّ یومٍ منه خمس مرّاتٍ أ کان یبقی في جسده من الدّرن شیءٌ قلنا لا قال فإنّ مثل الصّلاة کمثل نهرالجاری کلّما صلّی صلاةً کفّرت ما بینهما من الذّنوب» (تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۴، ص ۱۲)

۲. در دیدار طلّاب خارجی حوزه‌ی علمیّه‌ی قم ۱۳۸۹/۸/۳

۳. در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۵/۱۹

میگذاری کنار؟! حالا آنهایی که اصلاً اعتنا نمیکنند، هیچ. ما نماز را همین‌طور بو میکنیم، میگذاریم کنارا کلمه کلمه‌ی نماز درس است؛ کلمه کلمه‌ی نماز حال است؛ اگر قدرش را بدانیم.[1]

فطرت انسان؛ نیازمندِ نیایش با خدا

انسان، به سرشت و طبیعت خود، مشتاق و نیازمندِ نیایش و خشوع در برابر خداوند است که آفریننده‌ی همه‌ی نیکي‌ها و زیبایي‌ها است؛ و نماز، برآورنده‌ی این نیاز است. ادیان الهی با تشریع نماز، کام تشنه‌ی فطرت انسان را سیراب میکنند و او را از سرگشتگی و گمراهی در فرونشاندن این عطش طبیعی نجات میبخشند. تکرار نماز در هر روز و شب، فرصت و نعمتی است که آدمی را از غرقه شدن در غفلت میرهاند؛ به او مجال حضور دلْ آگاهانه در برابر خدا میبخشد؛ جان او را صیقل میدهد و گوهر باطن او را درخشان میسازد.[2]

۲-جایگاه نماز

اوّلین واجب

اوّلین واجبی که بر پیغمبر واجب میشود، نماز است؛ اوّل تبلیغی که برای پیغمبر خدای متعال معیّن میکند، «و أمر اهلک بالصّلوة»[3] است؛ توصیفی که خدای متعال در درجه‌ی اوّل برای جامعه‌ی موحّد بیان میکند، «الّذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصّلوة»[4] است. این، اهمّیّت نماز است.[5]

---

۱. در دیدار جمعی از مدّاحان سراسر کشور ۱۳۹۱/۲/۲۳

۲. پیام به بیستمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۰/۷/۱۹

۳. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۳۲، ترجمه: «و کسان خود را به نماز فرمان ده.»

۴. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا میدارند.»

۵. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۰۶/۲۷

میگذاری کنار؟! حالا آنهایی که اصلاً اعتنا نمیکنند، هیچ. ما نماز را همین‌طور بو میکنیم، میگذاریم کنار! کلمه کلمه‌ی نماز درس است؛ کلمه کلمه‌ی نماز حال است؛ اگر قدرش را بدانیم.[1]

فطرت انسان؛ نیازمندِ نیایش با خدا

انسان، به سرشت و طبیعت خود، مشتاق و نیازمندِ نیایش و خشوع در برابر خداوند است که آفریننده‌ی همه‌ی نیکي‌ها و زیبایي‌ها است؛ و نماز، برآورنده‌ی این نیاز است. ادیان الهی با تشریع نماز، کام تشنه‌ی فطرت انسان را سیراب میکنند و او را از سرگشتگی و گمراهی در فرونشاندن این عطش طبیعی نجات میبخشند. تکرار نماز در هر روز و شب، فرصت و نعمتی است که آدمی را از غرقه شدن در غفلت میرهاند؛ به او مجال حضور دلْ‌آگاهانه در برابر خدا میبخشد؛ جان او را صیقل میدهد و گوهر باطن او را درخشان میسازد.[2]

۲-جایگاه نماز

اوّلین واجب

اوّلین واجبی که بر پیغمبر واجب میشود، نماز است؛ اوّل تبلیغی که برای پیغمبر خدای متعال معیّن میکند، «و أمر اهلک بالصّلوة»[3] است؛ توصیفی که خدای متعال در درجه‌ی اوّل برای جامعه‌ی موحّد بیان میکند، «الّذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصّلوة»[4] است. این، اهمّیّت نماز است.[5]

---

۱. در دیدار جمعی از مدّاحان سراسر کشور ۱۳۹۱/۲/۲۳

۲. پیام به بیستمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۰/۷/۱۹

۳. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۳۲، ترجمه: «و کسان خود را به نماز فرمان ده.»

۴. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا میدارند.»

۵. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۰۶/۲۷

معبر اصلی سلوک انسان برای دستیابی به غایت حیات

نماز معبر اصلی برای سلوک انسان در راهی است که ادیان الهی در برابر آدمی نهاده‌اند تا بتواند از آن به هدف و غایت اصلی حیات یعنی رستگاری و خوشبختی دنیا و آخرت دست یابد. نماز اوّلین قدم سلوک الی‌الله است؛ ولی ظرفیّت این عامل الهی به‌اندازه‌ای است که در اوج کمال بشری نیز میتواند بال پرواز انسان عرشی شود، تا آنجا که برترین انسان تاریخ یعنی پیامبر گرامی اسلام میفرماید: «نماز نور چشم من است.» و در هنگام فرارسیدن وقت نماز از مؤذّن خود میخواهد که با سر دادن بانگ اذان، جان او را کامیاب و سرشار از راحت و امنیّت سازد.[1] شاید بتوان گفت که هیچ عامل عبادی دیگری این‌گونه در همه‌ی مراحل تکامل معنوی انسان برای او کارگشا و نیروبخش و پیش‌برنده نیست.[2]

مهم‌ترین ابزار تذکّر دائمی

اوّلین درس ما توجّه به خدا است؛ تذکّر حضور در محضر پروردگار است... ابزارهای تذکّر را خدای متعال برای ما فراهم کرده، که مهم‌ترین ابزار تذکّر ما همین نماز است. این نمازهای پنج‌گانه‌ای که خدا بر ما واجب کرده، یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا در حقّ ما است. اگر نماز نبود، ما غرق غفلت میشدیم. این نماز که به‌عنوان یک فریضه بر ما واجب شده، ما را از وادی غفلت بیرون میکشاند.[3] ما هیچ‌کدام نباید به دین‌داری و استقامت خودمان در این راه مغرور شویم و اطمینان پیدا کنیم و بگوییم: «من دیگر در این شرایط نمیلغزم.»؛ خیر؛ اگر شما چنین بودید، نمیگفتند

---

۱. قَالَ رسول الله (ص): جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي اَلصَّلاَةِ وَ كَانَ يَقُولُ أَرِحْنَا يَا بِلاَلُ. (بحارالأنوار، ج۷۹، ص ۱۹۳)

۲. پیام به نهمین سمینار نماز ۱۸/ ۰۶/ ۱۳۷۸

۳. در دیدار علما و طلاب استان فارس ۱۱/ ۲/ ۸۷

روزی پنج نوبت بگویید: «اهدنا الصّراط المستقیم»[1]؛ یک بار دعا میکردید و تمام میشد و میرفت. اینکه به شما میگویند هر روز ده مرتبه ـ پنج نوبت و هر نوبت دو بار ـ حدّاقل، باید بگویید «اهدنا الصّراط المستقیم»، به‌خاطر این است که همه‌ی ما احتیاج داریم دائم متذکّر باشیم که راه راستی وجود دارد ـ که البتّه همان راه عبودیّت الهی، راه بندگی خدا و جدا شدن از بندگی نفس و بندگی هرکه غیر خدا است ـ و ممکن است ما از آن راه منحرف شویم و از خدا متضرّعانه میخواهیم که «خدایا! ما را در این راه نگه‌دار؛ ما را به این راه هدایت کن؛ این راه را به ما نشان بده.» دائم بر سر دوراهی هستیم؛ دائم.[2]

رکن اصلی دین و پشتوانه‌ی مستحکم در مبارزه با شیطان

نماز، رکن اصلی دین است و باید اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. حیات طیّبه‌ی انسان در سایه‌ی حاکمیّت دین خدا وقتی حاصل خواهد شد که انسانها دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارند و به کمک آن بتوانند با همه‌ی جاذبه‌های شر و فساد مبارزه کنند و همه‌ی بتها را بشکنند و دست تطاول همه‌ی شیطانهای درونی و برونی را از وجود خود قطع کنند. این ذکر و حضور دائمی، فقط به برکت نماز حاصل میشود؛ و نماز درحقیقت پشتوانه‌ای مستحکم و ذخیره‌ای تمام‌نشدنی در مبارزه‌ای است که آدمی با شیطان نفس خود ـ که او را به پستی و زبونی میکشد ـ و شیطانهای قدرت که با زر و زور او را وادار به ذلّت و تسلیم میکنند، همیشه و در همه حال دارد.[3]

---

۱. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۶

۲. در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۵/۱۹

۳. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

میراث ادیان گذشته

ما میدانیم که نماز و زکات، مخصوص امّت اسلام نبوده است؛ بلکه پیامبران قبل از رسول اکرم اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در صدر احکام خود، نماز و زکات را داشته‌اند. «وأوصاني بالصّلاة والزّكاة ما دمت حيًّا»[1]؛ از قول حضرت عیسی(علیه‌السّلام) است که به مخاطبان خود میفرماید: خدا من را به نماز و زکات وصیّت کرده است. از آیات دیگر قرآن هم این معنا استفاده میشود.[2]

وسیله‌ای برای زدودن زنگارها و عروج الی‌الله

در شریعت مقدّس اسلامی برای ما که محصور و محدود به عوامل مادّه هستیم، یک فرصتهایی گذاشته شده است که آن فرصتهای نماز است ـ وقت صبح، وقت ظهر، وقت عصر، وقت مغرب، وقت عشا ـ یک زنگ بیدارباش است، یک خلوت دادن به خود برای ایجاد نورانیّت در دل و نفس است؛ ساعات نماز را در شبانه‌روز برای ما قرار دادند، برای اینکه غرق نشویم؛ از اسارت مادّه یک لحظه‌ای بیرون بیاییم، نفسی تازه کنیم، به یاد معنویّت بیفتیم، یکسره غرق در مادّیّات نباشیم.[3] ما میتوانیم با استفاده‌ی از آنها، عروج کنیم؛ خودمان را اصلاح نماییم و زنگارها و پوسیدگی‌ها و غفلتها و بیماری‌های معنوی را از خودمان دور کنیم. نماز، فرصت بسیار خوبی است. شما اگر امتحان نکرده‌اید ـ که قاعدتاً امتحان کرده‌اید و ان‌شاءالله عمل دائمی شما، همین‌طور باشد ـ امتحان کنید. توجّه بکنید که در حال نماز، اگر متوجّه خودتان و کاری که از شما سر میزند، باشید، قطعاً بعد از نمازِ شما، با قبل از نمازِ شما متفاوت خواهد بود. شرطش

---

۱. سوره‌ی مریم، بخشی از آیه‌ی ۳۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰

۳. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۵/۲۷

همین است که توجّه کنید در حال نماز، مشغول چه کاری هستید. بهترش این است که اذکار نماز را بفهمید؛ کارِ بسیار آسانی است.[1]

وسیله‌ای مستحکم و دائمی برای ارتباط با خدا

هیچ وسیله‌ای مستحکم‌تر و دائمی‌تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی‌ترین انسانها رابطه‌ی خود با خدا را به‌وسیله‌ی نماز آغاز میکنند. برجسته‌ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز میجویند. این گنجینه‌ی ذکر و راز را هرگز پایانی نیست، و هرکه با آن بیشتر آشنا شود، جلوه و درخشش بیشتری در آن می‌یابد.[2] آن کسی که همه‌ی رابطه‌هایش قطع شده، اگر توانسته باشد رابطه‌ی نماز را نگه دارد، این او را نجات میدهد.[3]

بزرگ‌ترین فریضه و مؤثّرترین ابزار در عرصه‌ی جهاد اجتماعی

نماز در عرصه‌ی تکاپوی لایزال و ناگزیری که بشر بدان مأمور بلکه مطبوع گردیده است، بزرگ‌ترین فریضه و مؤثّرترین ابزار است. شاید برخی این خصوصیّت را برای نماز فقط در میدان تکاپوی فردی به‌سوی کمال، شناخته و از نقش آن در صحنه‌ی جهاد جمعی و اجتماعی و در برابر معارضان پرقدرت دنیایی سخنی نشنیده باشند؛ ازاین‌رو باید دانست که پایمردی در همه گونه رویارویی، وابسته به آن است که دلها و اراده‌ها از صفا و توکّل و اعتمادبه‌نفس و امید به فرجام، لبریز باشد، و نماز سرچشمه‌ی جوشانی است که این‌همه و بسی فیوضات دیگر را بر دل و جان نمازگزار سرازیر میکند و از او انسانی روشن‌ضمیر و ثابت‌قدم و بی‌دغدغه و امیدوار

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز یازدهم ماه مبارک رمضان) ۱۳۶۹/۱/۱۸

۲. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۳. در جمع روحانیون شیعه و اهل‌سنّت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

میسازد. اینکه در قرآن و سخن والای پیامبر خاتم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) نماز، بازدارنده از فحشا و منکر و معراج مؤمن و تقرّب‌دهنده‌ی پرهیزکار و در یک‌سخن، بهترین نهاد دین معرّفی شده و پیامبر مکرّم، آن را روشنی چشم خویش خوانده است، باید ما را در فهم عظمت نماز به تأمّل و ژرف‌نگری بیشتر بکشاند.[۱]

معنایافتن جهاد به‌وسیله‌ی نماز

یک‌وقتی در دوران طاغوت و در بعضی از سلّولهای زندانهای دشوار و هولناکِ آن رژیم که زندانی‌های گوناگونی در آنجا زندانی بودند، از زندانی‌های مسلمان و با تفکّر اسلامی، تا بعضی که با گرایشهای حزبی و ایدئولوژی‌های گوناگونی که به‌هرحال اسمش اسلامی بود، ما شنیده بودیم ـ شاید خود من به غیرواسط هم شنیده بودم، اگر دیگران هم شنیده بودند که نقل میکردند ـ که بعضی از اینها میگفتند: چقدر میگویید «حیّ علی الصّلوة»، بگویید «حیّ علی الجهاد». فضای مبارزه، این تفکّر و این نگاه را به مسائل به‌وجود آورده که دائم چسبیده‌اید به صلوة و مرتّب میگویید «حیّ علی الصّلوة، حیّ علی الصّلوة»؛ خب بگویید «حیّ علی الجهاد» و مردم را به جهاد فرابخوانید. امّا تجربه‌های روزگار نشان داد که بی‌اعتنائی به نماز، چه برسر یک انسانی و چه برسر جهاد انسانها می‌آورد؛ هم جهاد را تعطیل میکند، هم جهت مبارزه را از جهاد بودن خارج میکند و به مبارزه‌ی برای قدرت و برای هوای نفس تبدیل میکند. آن چیزی که مبارزه‌ی یک انسان و چالش یک امّت را رنگ جهاد و معنای جهاد میبخشد، همان توجّه به خدا است، که قوامش به نماز است.[۲]

---

۱. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۲/۶/۱۶

۲. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

سه خصوصیّت عمده‌ی نماز و نقش آن در تهذیب نفس و پرورش روان انسان

نماز برترین چیزی است که میتواند همه‌ی افراد جامعه‌ی مسلمان را به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند. سه خصوصیّت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب نفس و پرورش روانی انسانها پدید می‌آورد.

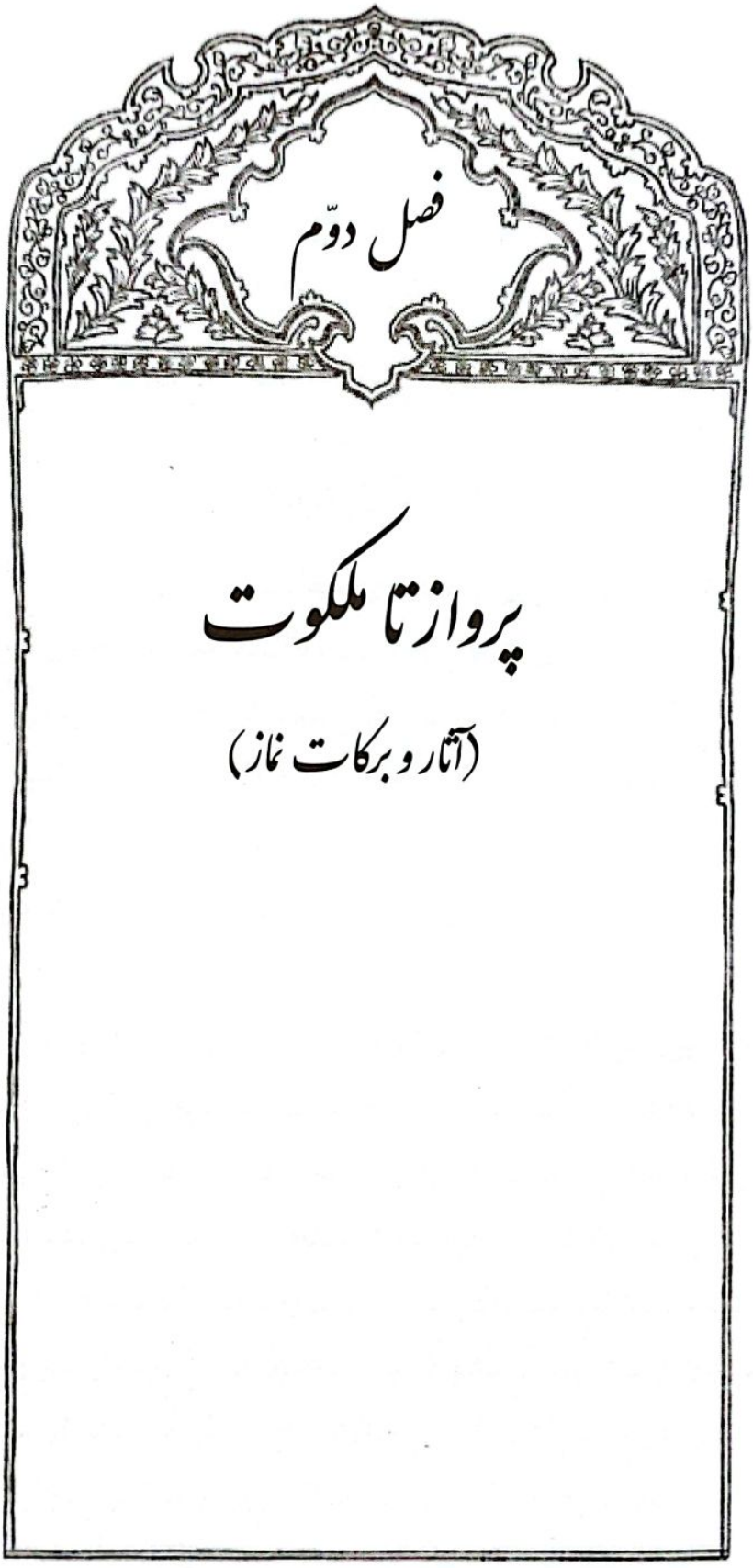
نخست اینکه نماز، با شکلی که در اسلام برای آن معیّن گشته، یعنی حرکات و اذکار مخصوص، به‌طور طبیعی نمازگزار را به دوری از گناه و آلودگی فرامیخواند: «انّ الصّلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر»[1]. این فراخوانی پیوسته، توانایی آن را دارد که هرکس را از منجلابها، رها سازد و عروج بخشد.

دوّم آنکه در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت باری‌تعالی را که محبوب حقیقی و فطری هر انسان است، زنده میکند و غبار فراموشی از این حقیقت درخشنده را که در ژرفای فطرت او نهاده شده است می‌سترد.

سوّم آنکه به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانی را که شرط اصلی موفّقیّت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است، هدیه میکند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگی در راه اقدام مجدّانه برای پرورش اخلاقی است، از او دور میسازد.[2]

---

۱. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «همانا که نماز از کار زشت و ناپسند بازمیدارد.»
۲. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴



فصل دوّم

پرواز تا ملکوت

(آثار و برکات نماز)

الف-آثار فردی

مهم‌ترین عمل برای رسیدن به قلّه‌های سعادت

شما جوانید، دلهای شما پاک است، ناآلوده است. به عمق این حرف هم شما حالا نمیرسید، که این ناآلودگی معنایش چیست، گرفتاری دلهای آلوده کجا است؛ این را شما که جوانید، حالا حالاها به آن نمیرسید؛ به حدود سنّی ما که رسیدید، آن وقت گرفتاری را میفهمید، می‌بینید که چقدر این زلالی دل در دوره‌ی جوانی قیمت و ارزش دارد، که دیگر قابل برگشت هم نیست.

امروز این سرمایه در اختیار شما است... این دل پاک و زلال را هرچه میتوانید، با منبع عظمت، با منبع حقیقت، با منبع زیبایی ـ یعنی ذات مقدّس باری‌تعالی ـ پیوند دهید و نزدیک کنید. اگر موفّق شدید، تا آخر عمر زندگی سعادتمندانه خواهید داشت؛ اگر حالا موفّق نشوید، بیست سال دیگر سخت‌تر است؛ اگر بیست سال بعد هم ـ که شماها ۴۰ سال، ۴۵ سال سنّتان هست ـ موفّق نشوید، بیست سال بعدش بسیار بسیار مشکل‌تر است؛ یعنی در سنینِ کمتر از سنِّ حالای من؛ خیلی سخت خواهد شد. نه اینکه محال باشد، امّا مشکل است. حالا دل را به خدا پیوند بزنید. راهش

هم در شرع مقدّس باز است؛ یک کار رمزآلود پیچیده‌ای نیست. شما قلّه‌ی کوه را از پایین نگاه میکنید، می‌بینید کسانی آنجا هستند؛ این‌جور نیست که تصوّر کنید اینها بال زدند رفتند آنجا؛ نه، اینها از همین مسیری که جلوی پای شما است، جلو رفتند و به آنجا رسیدند. دچار توهّم نشویم، خیال نکنیم که با یک نوع حرکت غیر عادی و غیر معمولی میتوان به آن قلّه‌ها رسید؛ نه، آنهایی که در آن قلّه‌ها مشاهده میکنید، از همین راه‌ها عبور کردند. این راه‌ها چیست؟ در درجه‌ی اوّل، ترک گناه. گفتنش آسان است، عملش سخت است؛ امّا ناگزیر است. دروغ نگفتن، خیانت نکردن، از لغزشهای گوناگون جنسی و شهوانی پرهیز کردن، از گناهان پرهیز کردن؛ قدمِ مهم‌ترینش این است. بعد از ترک گناه، انجام واجبات، و از همه‌ی واجبات مهم‌تر، نماز است. «واعلم انّ کلّ شیء من عملک تبع لصلاتک»[1]؛ همه‌ی کار انسان تابع نماز است. نماز را به‌وقت بخوانید، با توجّه و با حضور قلب بخوانید. حضور قلب یعنی بدانید که دارید با یکی حرف میزنید؛ بدانید یک مخاطبی دارید که دارید با او حرف میزنید. این حالت را اگر در خودتان تمرین کردید، اگر توانستید این تمرکز را ایجاد کنید، تا آخر عمر این برای شما میماند... از حالا عادت کنید این تمرکز را در حال نماز در خودتان ایجاد کنید و به‌وجود بیاورید. آن وقت این آن صلاتی است که: «تنهی عن الفحشاء والمنکر»[2]. «تنهی» یعنی شما را نهی میکند؛ معنایش این نیست که مانعی جلوی شما میگذارد که شما دیگر نمیتوانید گناه کنید؛ نه، یعنی دائم به شما میگوید گناه نکن. خب، روزی چند نوبت از درون دلِ انسان به او بگویند گناه نکن، گناه نکن، انسان گناه نمیکند. این نماز است.[3]

---

۱. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۲۷

۲. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «از کار زشت و ناپسند بازمیدارد.»

۳. در دیدار صمیمانه و پرشور هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱

مایه‌ی آرامش دلها و برطرف‌کننده‌ی نگرانی‌ها

همان‌طور که مژده‌ی قیام نماز، پیامبر عظیم‌الشأن(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را ـ چنان‌که در حدیث آمده است ـ به وجد می‌آورد و به بلال، مژده‌رسان همیشگی نماز، میفرمود: «ارحنا یا بلال!»، یعنی ای بلال! دلم را با اذان که مژده‌ی نماز است، راحت بخش! همان‌طور هم بزرگداشت نماز و گستردن و بلند کردن نام آن، دل بندگان خدا را وجد و نشاط میبخشد و ابرهای تیره‌ی ملال و اضطراب را از آفاق آن، پراکنده میسازد، و این برخاسته از ویژگی خود نماز است که مایه‌ی آرامش دلها و برطرف‌کننده‌ی نگرانی‌ها و دغدغه‌های روحی در نمازگزار است.[1]

در روزهای دوران اختناق هم وقتی عناصر مؤمن میخواستند در مقابل فشار دستگاه حاکم و در مقابل وسوسه‌ها و اغواهای زندگی راحت ـ که آنها را وادار میکرد مبارزه را کنار بگذارند ـ مقاومت کنند، به روزه روی می‌آوردند. عبادات خدا این‌گونه است. حضور در مقابل پروردگار این‌طور است. نماز که میخوانید، آرامش پیدا میکنید؛ از اضطراب و تلاطم روح نجات پیدا میکنید. وقتی با خدای متعال مناجات و تضرّع میکنید، جان خودتان را تصفیه و باصفا میکنید، آلودگی‌ها را از آن دور میکنید. روزه که میگیرید، خودتان را مثل فولاد، محکم و آبدیده میکنید. این‌گونه است.

آنچه که به‌وسیله‌ی عبادات به دست ما می‌آید، خیلی خیلی باارزش است؛ خیلی زیاد است. باید خدا را شکر کنیم که برای ما نماز و روزه و عبادات را آورد؛ به ما امکان داد که این بهره‌ها را برای خودمان فراهم کنیم.[2]

---

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز در شیراز ۱۳۷۳/۶/۱۰

۲. در دیدار علما، طلّاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدّس قم به‌مناسبت سالروز نوزده دی‌ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

عامل سرور و نشاط حقیقی

آن دعایی که در سجده‌ی نماز شب خوانده میشود و امام هم یک بار در سخنرانی‌شان گفتند، این است: «اللّهم ارزقنی التجافی عن دارالغرور والانابة الی دارالسرور»[1]. این، معتنابه[2] سرور است؛ یعنی از خدا میخواهد که دل او، متمایل به دار سرور شود.

راستی، این، چه سروری است؟ «دار سرور» یعنی دار عقبی، دنیای آخرت؛ دنیایی که در آن، بهشت است؛ این «دار سرور» است؛ سرور مؤمنین است؛ این سرور را که نمیشود انسان در مدّت عمر پنجاه‌ساله، شصت‌ساله، هشتادساله حس نکند؛ اینکه معنی ندارد؛ باید انسان این سرور را حس کند. این سرور، سروری است که با آن، غم نیست. این سرورهای ظاهری که ما پیدا میکنیم، غالباً با غم همراه است؛ غالباً محبّتهای شدید، با غم همراه است. بااینکه محبّت، عامل شادی‌آوری است و به انسان نشاط میبخشد، امّا به همین نسبتی که نشاط دارد، غم هم دارد. محبّت در هر مرحله‌ای، با نشاط خودش غمی آمیخته دارد. گفت:

محنت قُرب ز بُعد افزون است　　جگر از محنت قُربم خون است

نمیدانم این بیت از کیست؛ سالها پیش، یک‌وقت این را یادداشت کردم. میگوید حتّی در حالت وصل هم، باز محنت دارد:

نیست در بُعد جز امید وصال　　هست در قُرب، همه بیم زوال

حدّاقلّش این است. دغدغه دارد که این حالت خوش، این قرب، این وصال، زایل خواهد شد. همه‌ی امکانات مادّی این‌گونه است؛ جز محبّت معنوی، جز قرب معنوی، جز سرور معنوی، که اصلاً تمام شدن ندارد؛ یعنی کسی که واقعاً به خدای متعال محبّت پیدا میکند، بیم زوال دارد!؟ در وصل خدا، یعنی آن وصل عرفانی و معنوی، بیم زوالی هست!؟ نه.

---

۱. زادالمعاد، ج ۱، ص ۱۲۹

۲. کاری که محلّ اعتنا و اهتمام باشد.

من سُرور را در نماز میبینم؛ این را که میگویم، حقیقتاً احساس من است. گاهی اوقات انسان از حادثه‌ای، از خبری، از پیشامدی، از ناتوانی‌ای در صحنه‌ای و در میدانی غمگین است و به چیزی میخواهد پناه ببرد که این غم را بزداید. گاهی انسان به تفریح و دوستی، به رفاقت و به بگوبخند، پناه میبرد. کسانی میتوانند، کسانی هم گیرشان نمی‌آید و نمیتوانند؛ امّا من به تجربه دریافته‌ام آن عاملی که همواره در چنین حالاتی به انسان مسرّت میبخشد، نماز است؛ یعنی انسان وقتی به‌طرف نماز میرود، دلش باز میشود و آن مسرّت معنوی در او به‌وجود می‌آید؛ چرا؟ چون نماز، آن مرحله‌ای است که انسان با خدا، بدون هیچ‌گونه واسطه و هیچ پرده‌ای حرف میزند؛ آن، مسرّت حقیقی است. از این مسرّت، نباید غافل شد.[1]

یاد خدا؛ تضمین‌کننده‌ی صحّت عمل و استقامت در مسیر

ارتباط با خدا تضمین‌کننده‌ی صحّت عمل و استقامت در راه است. اگر بخواهیم در این جادّه درست حرکت کنیم، با ظواهر دل‌فریب زودگذر از راه پرت نیفتیم و به سمت هدف، مستقیم حرکت کنیم، حتماً در این کار، یاد خدا و اتّکاء به خدا و اتّصال دائمی به خدا موردنیاز است؛ این را باید دستور همیشگی خودمان قرار دهیم. اینکه شاعر میگوید «خوشا آنان که دائم در نمازند»[2]، منظورش این نیست که دائم رو به قبله نشسته‌اند یا ایستاده‌اند و یا رکوع و سجود میکنند؛ منظور، روح نماز و ذکر و یاد خدا است. باید دائم در یاد خدا بود.[3]

---

۱. در دیدار گروه ورزش و سرگرمی صدا ۱۳۷۱/۱۰/۱

۲. «خوشا آنان که دائم در نمازند / بهشت جاودان بازارشان بی» (باباطاهر عریان همدانی، ۳۲۶ هـ‌ق)

۳. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

اذکار نماز؛ موجب آشنایی بیشتر با معارف الهی

کلمات و اذکار نماز، هریک خلاصه‌ای است که به بخشی از معارف دین اشاره میکند و به‌طور مکرّر و پی‌درپی آن را به یاد نمازگزار می‌آورد. نمازی که با تدبّر در معانی و بدون سهو و غفلت گزارده شود، انسان را روزبه‌روز با معارف الهی آشناتر و به آن دل‌بسته‌تر میسازد.[۱]

تأثیر نماز در استحکام و تقویت صبر

صلاة را به مفهوم عامّ صلاة بگیرید؛ یعنی توجّه، ذکر، خشوع؛ وَالّا صورت نماز درحالی‌که خالی از ذکر باشد، موردنظر نیست. لذا در آن آیه‌ی شریفه هم که راجع به صلاة فرموده، بعد میفرماید: «ولذکرالله أکبر»[۲]. «إنّ الصّلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر»[۳]. این، یک خاصیّت صلاة است؛ امّا بزرگ‌تر از نهی از فحشا و منکر، نفس ذکر خدا است که در صلاة وجود دارد.

این صلاة یعنی آن ذکر، توجّه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد... لذا در قرآن هم ملاحظه کنید «واصبروما صبرک إلّا بالله»[۴] است. البتّه «واصبر» در قرآن زیاد است که اگر انسان بخواهد آیات را بخواند، هرکدام یک دریایی از معرفت است. حالا این آیه‌ی شریفه‌ی «واصبروما صبرک إلّا بالله»؛ به کمک خدا است که تومیتوانی صبر کنی؛ یعنی استقامت آن وقتی پایان‌ناپذیر میشود که متّصل باشد به منبع پایان‌ناپذیر ذکر الهی. اگر صبر را ـ که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقب‌گرد نکردن است ـ وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمیشود. صبر که تمام نشد، معنایش این است

---

۱. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۲. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»

۳. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «که نماز از کار زشت و ناپسند بازمیدارد.»

۴. سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۲۷، ترجمه: «و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست.»

که این سیر انسان به‌سوی همه‌ی قلّه‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد. این قلّه‌ها که میگوییم، قلّه‌های دنیا و آخرت، هر دو است: قلّه‌ی علم، قلّه‌ی ثروت، قلّه‌ی اقتدار سیاسی، قلّه‌ی معنویّت، قلّه‌ی تهذیب اخلاق، قلّه‌ی عروج به سمت عرش عالی انسانیّت. هیچ‌کدام از اینها دیگر توقّف پیدا نخواهد کرد؛ چون وقفه‌ها در حرکت ما ناشی از بی‌صبری است. دو لشکر مادّی وقتی در مقابل هم صف‌آرایی میکنند، آن کسی که زودتر صبرش تمام بشود، شکست میخورد؛ آن کسی که دیرتر صبر و مقاومتش تمام بشود، پیروز خواهد شد؛ چون با لحظه‌ای مواجه خواهد شد که طرف مقابل صبر خودش را از دست داده. این مثال خیلی ظاهر و بارز عینی‌اش است؛ در همه‌ی میدانها همین‌جور است.[1]

حفظ ارتباط با خدا به‌وسیله‌ی نماز

رابطه‌ی با خدا را حفظ کنید. وسیله‌ی حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج‌گانه، با توجّه، با حضور قلب و با این توجّه که در مقابل خدا ایستاده‌ایم، خوانده شود، بهترین رابطه است و روزبه‌روز دل شما را نورانی‌تر خواهد کرد. آن جوانهایی که شبهای قدر در مساجد، حسینیّه‌ها و حرمهای مطهّر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سر گرفتند، احیاء گرفتند و دلهایشان را با نور محبّت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند، که از آن بهره‌مند خواهند شد. ان‌شاءالله در طول زمان، در سالهای دیگر، روزبه‌روز این رابطه بیشتر خواهد شد؛ انسان از این راه است که به کمال مطلوب و غایت خلقت خود دست خواهد یافت. موفّقیّت در همه‌ی میدانهای زندگی هم به همین وابسته است.[2]

---

۱. در دیدار رؤسای سه قوّه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲

نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین نیاز ارتباط معنوی با خدا

امروزه با سیطره‌ی نظم ماشینی بر همه‌ی جامعه‌های بشری، انسان و انسانیّتها سخت در فشارند. آحاد بشر در چنین نظمی ناگزیرند آهنگ زندگی فردی و اجتماعی را، با نواخت سنگین و روح‌گداز ماشین، همسان و یک‌آهنگ کنند. رحم و مروّت و گذشت و ایثار و بسی ارزشهای اخلاقی دیگر، در این همنواختی است که کم‌تأثیر و بی‌رنگ میشود، و خانواده و اخلاق همزیستیِ مهرآمیز خانوادگی، در چنین وضعی است که پایمال و منهدم میگردد. از ده‌ها سال پیش، دلسوزان و تیزبینان، حتّی در قلب محیط تمدّن صنعتی و ماشینی، این خطر را احساس کرده و هشدار داده‌اند، و با تأسّف، هنوز میلیون‌ها انسان بویژه جوانان که احساسات لطیف‌تر و روحیّه‌ی آسیب‌پذیرتر دارند، در این بلای بزرگ همچنان بی‌دفاع و بی‌علاجند.

نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت امروز برای مردم دنیا از همیشه حادتر و جدّی‌تر است؛ و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریّت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی، از همیشه نیازمندتر است.[1]

رهایی از پوچی و بی‌هدفی و ضعف

نمازِ با حضور و با توجّه، نمازی که از یاد و ذکر سرشار است، نمازی که آدمی در آن با خدای خود سخن میگوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاترین معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف میرهاند و افق زندگی را در چشمش روشن میسازد و به او همّت و اراده و هدف میبخشد و دل او را از میل به کج‌روی و گناه و پستی نجات میدهد. ازاین‌رو است که نماز در همه‌ی حالات،

---

۱. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

حتّی در میدان نبرد و سخت‌ترین آزمایشهای زندگی، اولویّت خود را از دست نمیدهد. انسان همیشه به نماز محتاج است، و در عرصه‌های خطر، محتاج‌تر.[1]

مانع فسادپذیری انسان

انسان که از سویی گاه مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی است، از سویی دیگر، گاه محلّ بُروز زشتي‌ها و پستي‌های بی‌همانند نیز میگردد. اگر در جایی و زمانی او را مظهر آگاهی و محبّت و فداکاری یا خردمندی و آفرینندگی و پیشرفت در عرصه‌های تعالی، یا آیت شوق و شور و امید می‌بینیم، در جایی و زمانی دیگر او را دچار غفلت و کینه و خودخواهی، یا جهل و عادت و رکود، یا سستی و نومیدی و بدبینی مشاهده میکنیم.

این عنصر بااستعداد، میتواند برترین موجود گیتی تا پست‌ترین پدیده‌ی هستی گردد. او مجهّز به همه‌ی ابزارها و زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی و مادّی، آفریده شده است. سرشتِ او، نیک و راهِ نیکی به روی او باز است. خِرَد و قدرت بر تصمیم‌گیری و انتخاب، دو بال توانای اویند و رسولان الهی راهنمایان و امیددهندگان و کمک‌کنندگان به او؛ امّا او بااین‌حال میتواند تسلیم ضعفها و هوسها و خودخواهی‌ها یا جهلها و غفلتها و عادتهای خود شود و خود را از همه‌ی آن بشارتها و امیدها و معراجها محروم سازد. این همان است که آن را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریّت و نیز در عمر هریک از آحاد بشر، بزرگ‌ترین مصیبت او و خطرناک‌ترین تهدید او به‌شمار رفته است و میرود.

برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذِکر» را به انسان آموخته است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن؛ یعنی از دل‌مشغولی‌هایی که

---

۱. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

آدمی را اسیر وسوسه‌ی هوسها میکند یا میل به برتری‌جویی و کین‌ورزی و آزمندی او را ارضاء میسازد، خود را رها ساختن؛ یعنی او را از جهنّمی که برای خود فراهم کرده است، به بهشت صفا و انس و بهجت و امن بردن. و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، ناب‌ترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.[۱]

نورانیّت نماز؛ ازبین‌برنده‌ی ظلمتِ گناهان

انسان در معرض خطاهای گوناگونی است. هر انسانی ـ بزرگ و کوچک و پیر و جوان ندارد ـ بالاخره سهوها و اشتباهات و خطاهایی دارد و گناهانی بر او عارض میشود. انسان اگر بخواهد در جادّه‌ی زندگی موفّق شود، نماز میتواند جبران‌کننده باشد. در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن میفرماید: «وأقم الصّلاة طرفي النّهار وزلفًا من اللّيل إنّ الحسنات يذهبن السّيّئات»[۲]؛ یعنی نماز را در دو سوی روز و پاره‌هایی از شب به جا آورید؛ زیرا نیکی‌ها میتواند بدي‌ها را از بین ببرد. نماز نورانیّتی دارد؛ ظلمتها را از بین میبرد، بدي‌ها را از بین میبرد و اثر گناهان را از دل میزداید. انسان بالاخره ممکن است آلودگي‌هایی پیدا کند و دست‌وبالش به خطایی بند شود. اگر به نماز پایبند باشید، این نورانیّت شما باقی خواهد ماند و گناه این فرصت را پیدا نمیکند که در جان شما نفوذ کند.[۳]

بازدارنده‌ی از فحشا و منکر

انسانی که باتقوا است، یعنی مراقب خودش است و متذکّر است، منشأ شرو ظلم و فساد و طغیان و بدی به این‌وآن نمیشود. آن ذکرالهی مرتّب دارد

---

۱. پیام به اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۰/۶/۱۵

۲. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴

۳. در دوّمین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر، روز انقلاب اسلامی و جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

او را نهی میکند؛ مرتّب دارد او را بازمیدارد: «الصّلوه تنهی». «تنهی» یعنی نهی میکند، نه اینکه دست و پای انسان را میبندد، غرایز را از کار می‌اندازد. بعضی خیال میکنند «الصّلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر»[1]، معنایش این است که اگر نماز خواندی، دیگر فحشا و منکر از بین خواهد رفت؛ نه، معنایش این است که وقتی نماز میخوانی، آن واعظ درونیِ تو که با نماز جان گرفته، او مرتّب به تو از بدیِ فحشا و منکر میگوید؛ و گفتن و تکرار کردن و بر دل فرو خواندن، طبعاً اثر دارد و دل را خاضع و خاشع میکند. لذاست می‌بینید نماز تکرار باید شود. روزه، سالی یک بار؛ حج، عمری یک بار؛ نماز، هر روز چند بار باید تکرار شود. اهمّیّت نماز اینجا است.[2]

انسانها وقتی دلشان با نماز انس گرفت و از طریق نماز با خدای متعال مأنوس و آشنا شدند، به‌طور طبیعی گناهان از اینها دور میشود؛ دلهایشان نسبت به گناه حسّاس میشود و آن حالت تقوایی که در شرع مقدّس قوامِ دین‌داری است، بتدریج در انسان حاصل میشود. مسئله‌ی نماز این است.[3]

داروی شفابخش

انسان در زندگی شخصی‌اش، گاه براثر محنتها و شدّتها و مصیبتها، و در زندگی جمعی‌اش گاه با حوادث تحوّل‌آفرین مانند حرکت عمومی به‌سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک میشود، و گاه با سرگرمی‌های هوس‌آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافیگری و عیش‌بارگی، از آن دور می‌افتد. عنصری که میتواند در همه‌ی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک‌تر کند، نماز است.

---

۱. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

نماز در حالات آمادگی روحی، به آدمی عروج و حال و حضور بیشتر میبخشد و در حالات غفلت و ناآمادگی، در گوش او زنگ آماده‌باش مینوازد و او را به آن وادی نورانی نزدیک میسازد. لذا نماز در هیچ حالی نباید ترک شود. در عین شدّت و محنت، در بحبوحه‌ی میدان جهاد، در هنگام فراغ و آسایش، و حتّی در میان محیط لجن‌آلودی که انسان با هوسها و کینه‌ها و شهوتها و خودخواهی‌ها، پیرامون خود پدید آورده است، نماز یک شربت مقوّی و شفابخش است؛ باید آن را با دل و جان خود نوشید و از هر نقطه که در آن واقع شده‌ایم، یک گام یا یک میدان به بهشت رضوان نزدیک شد. ازاین‌رو است که نه «حَیَّ علی الجهاد» و نه «حَیَّ علی الصوم» و نه «حَیَّ علی الإنفاق»، نگفته‌اند، ولی در هر روز بارها سروده‌اند: «حیّ علی الصّلاة».[1]

علاج تکبّر

در میان خصلتهای نکوهیده که سلامت جان و راحت زندگی را با خطر و مانع مواجه میسازند، تکبّر از پرآفت‌ترین آنها است. خودبرتربینی و سرکشی برخاسته از آن، چه بسیار حقیقتها را ناشناخته، و چه راه‌های فضیلت را ناپیموده میگذارد و چه کینه‌ها و خصومتهای نابه‌حق و چه زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها که پدید می‌آورد. آری تکبّر، حجاب حقیقت، و خار راه فضیلت، و دشمن صفا و صداقت، و انگیزه‌ی دشمنی و شرارت است. آحاد و جامعه‌های بشری از آغاز عمر خود تاکنون، ضایعات بی‌شماری را از کبر و خودپسندی اقوام و افراد، و سرکشی‌ها و تعصّبات ناشی از آن، تحمّل کرده‌اند و میکنند.

عبادات اسلامی و بیش از همه نماز، برای زدودن این آفت از جان آدمیان، ازجمله درمانهای مؤثّر و کارآمد میباشند. نماز، آنگاه که با حال و حضور و آداب، گزارده شود روح آدمی را به نیازمندی ذاتی وی آشنا میسازد،

---

۱. پیام به اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۰/۶/۱۵

و ریشه‌ی کبر و تفاخر و جبروت موهوم را در درون او میسوزاند. خشوع در برابر پروردگار، نور بصیرت را بر دل او میتاباند و سایه‌ی وهم‌آلود خودبزرگ‌بینی را از آن میزداید: «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرک والصلاة تنزیهاً من الکبر...»[1].

...در نهج‌البلاغه چنین آمده است: «و عن ذلک ما حرس الله عباده المؤمنین بالصّلوات و الزّکوات و مجاهدة الصّیام فی الایّام المفروضات، تسکیناً لاطرافهم وتخشیعاً لابصارهم وتذلیلاً لنفوسهم وتخفیضاً لقلوبهم واذهاباً للخیلاء عنهم»[2]؛ یعنی خداوند بندگان مؤمن را با نمازها و زکاتها و روزه‌های دشوار، از کبر و خودبینی محافظت و حراست میکند؛ به پیکر آنان آرامش میبخشد، به دیدگان آنان فروتنی میدهد، نفس آنان را رام میسازد، دلهای آنان را افتادگی می‌آموزد، و خودپسندی را از آنان دور میکند.[3]

ب-آثار اجتماعی

نماز؛ شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی

نماز دارای جنبه‌ی اجتماعی هم هست. جنبه‌ی اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به‌وسیله‌ی نماز با یک مرکز واحدی در تماس میشوند. درآنِ‌واحد در وقت نماز، همه‌ی مسلمانان در همه‌ی نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکزواحدی متّصل میکنند؛ این اتّصال همه‌ی دلها به یک مرکزواحد، یک مسئله‌ی اجتماعی است، یک مسئله‌ی نظام‌ساز است، معیّن‌کننده و شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی است.[4]

---

۱. نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ج ۱، ص ۴۶
۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲
۳. پیام به سمینار نماز ۱۳۷۹/۶/۱۹
۴. در حرم مطهّر رضوی در اوّلین روز سال ۱۳۹۴/۱/۱

اقامه‌ی جامعه‌ی دینی به‌وسیله‌ی نماز

اینکه به ما گفتند «الصّلوة عمود الدّین»[۱]، باید این را جدّی بگیریم. خیمه‌ی دین با نماز برپا است؛ هم در دین‌داری و تدیّن یک فرد، هم در اقامه‌ی یک جامعه‌ی دینی و هم در دین‌داری یک کشور و یک مجتمع. اگر ما نتوانیم کیفیّت تأثیر نماز را در این عرض عریض و وسیع درست تشخیص بدهیم، از کوتاهی دید ما است؛ وَالّا آن کسی که فرموده است: «الصّلوة عمود الدّین» و آیات کریمه‌ی قرآن که ناطقِ به اهمّیّت نماز هستند، خوب میدانند که این سازوکار چگونه و این نقش چگونه است.[۲]

جامعه‌ی نورانی در پرتو نماز خاشعانه

نماز آنگاه که با توجّه و حضور همراه است، نه‌تنها دل و جان نمازگزار، که فضای پیرامون او را نیز لطیف و نورانی و معطّر میسازد و به خانه و خانواده و محیط کار و محفل دوستان و مجامع شهروندان و همه‌ی فضاهای زندگی پرتوافشانی میکند. هرچه نمازگزارانِ متوجّه و خاشع و ذاکر بیشتر شوند، ظلمات خودخواهی‌ها و خودکامگی‌ها و بددلی‌ها و آزمندي‌ها و تجاوزگری‌ها و حسادتها و بدخواهي‌ها کمتر میشود و نور رستگاری بر پیشانی زندگی، بیشتر میدرخشد.

ریشه‌ی همه‌ی تلخ‌کامی‌های بشر در غفلت از خدا و محدود شدن به منافع شخصی است. نماز، آدمی را از این حصارهای ظلمانی میرهاند و شهوت و غضب او را به‌سوی حقیقت متعالی و خیر همگانی هدایت میکند. نمازِ خاشعانه و سرشار از حال و حضور، بهشتی واقعی، نخست در دل و جان نمازگزار و بتدریج در محیط زندگی می‌آفریند و صلاح و فلاح را به انسان هدیه میکند. ازاین‌رو در همه‌ی ادیان الهی، نماز گزاردن، اصلی‌ترین

---

۱. بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۸

۲. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

ادبِ دین‌داری و آشکارترین و عمومی‌ترین نشانه‌ی ایمان است؛ و نماز اسلام، کامل‌ترین و زیباترین نمازها است.[1]

نماز؛ کلیدی‌ترین عنصر اصلاح فرد و جامعه

اهمّیّت کار اقامه‌ی نماز و ترویج نماز، ناشی است از اهمّیّت خود نماز. وقتی ما می‌بینیم در شرع مقدّس اسلام این‌همه راجع به نماز ـ چه در قرآن، چه در کلمات نبیّ مکرّم، چه در فرمایشات معصومین ـ ترغیب و تشویق و اهتمام نشان داده شده، کشف میکنیم که این نماز در بین مجموعه‌ی داروهای درمانگرِ بیماری‌های جسمی و روحی و فردی و اجتماعی انسان، آن عنصر اصلی یا یکی از اصلی‌ترین عناصر است. همه‌ی واجبات شرعی، اجتناب از همه‌ی محرّمات، تشکیل‌دهنده‌ی مجموعه‌ای است از داروی تجویزشده‌ی از سوی پروردگار برای تقویت بنیه‌ی روحی و اصلاح امور دنیا و آخرت انسان ـ اصلاح جامعه، اصلاح فرد ـ منتها در این مجموعه بعضی از عناصر کلیدی هستند که شاید بشود گفت نماز کلیدی‌ترینِ این عناصر است. «الّذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصّلوة»[2]. مؤمنان، مجاهدان راه خدا، ایثارگران طریق تحکیم معارف الهی این‌جوری‌اند که وقتی «ان مکّناهم فی الارض»، وقتی ما اینها را در زمین متمکّن کردیم، قدرت را به اینها سپردیم، خیلی کارها باید انجام بدهند: استقرار عدالت، ایجاد چه، چه، امّا اوّل چیزی که وجود دارد: «اقاموا الصّلوة»؛ نماز را اقامه میکنند.[3]

ترویج نماز، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی

همه بدانند که یکی از مؤثّرترین راه‌ها برای کاستن آسیب‌های اجتماعی، ترویج نماز است. به اینکه حتّی یک نفر از جوانان و نوجوانان کشور، در نماز

۱. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۷/۶/۱۸
۲. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱
۳. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

سهل‌انگاری نکند همّت گمارید. این یکی از بهترین راه‌ها برای سلامت معنوی و روحی مردم ما و جامعه‌ی ما است.[۱] نماز آنگاه که با خشوع و حضور گزارده شود، جامعه را به صلاح و سداد در زبان و عمل میکشاند و اعتلاء میبخشد. بخش مهمّی از گرفتاری‌ها و آلودگی‌های ما براثر نپرداختن به این حقیقت هشداردهنده است. ازاین‌رو ترویج نماز با همه‌ی شیوه‌های اثرگذار، در شمار وظایف بزرگی است که همه باید بدان اهتمام ورزیم.[۲]

امنیّت جامعه؛ ثمره‌ی اقامه‌ی نماز

اگر نماز خواندیم، از درون انسان، از دل انسان بگیرید تا سطح جامعه و تا سطح حاکمیّت بر جامعه، هرچه این جامعه بزرگ باشد، به برکت نماز امان پیدا میکند، امنیّت پیدا میکند. دل انسان امنیّت پیدا میکند، جسم انسان امنیّت پیدا میکند، جامعه‌ی انسان امنیّت پیدا میکند. نماز خاصیّتش این است؛ اقامه‌ی صلاة در جامعه این است.[۳]

عامل مهمّ انضباط و انتظام اجتماعی

نماز از آنجا که اوّلاً سلامت و تعالی اخلاقی و معنوی به افراد جامعه میبخشد و ثانیاً ازآن‌رو که با شکل و محتوای ویژه‌ی خود نمازگزار را به انضباط میکشاند و از بیهودگی و ولنگاری نجات میدهد، به‌حق باید یکی از عوامل مهمّ انضباط و انتظام اجتماعی شناخته شود. اگر نماز با حضور و از سرِ شوق و در هنگام فضیلت در میان مردمی رواج پیدا کند، اینها دستاوردهای قطعی آن مردم خواهد بود؛ بدیهی است که نماز از سر کسالت و بی‌حضور و یا خودنمایانه، هیچ‌یک از این فواید را نخواهد داشت.[۴]

---

۱. پیام به بیست‌وچهارمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۴/۱۱/۶

۲. پیام به بیست‌وهفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۷/۹/۱۳

۳. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۴. پیام به نهمین سمینار نماز ۱۳۷۸/۶/۱۸

قدرت لایزال در برابر جبهه‌ی فساد

مردم ما و جامعه‌ی ما و بخصوص جوانان ما که اکنون بار امانت سنگینی را بر دوش گرفته‌اند باید نماز را منبع قدرتی لایزال بدانند و در برابر جبهه‌ی فساد و بی‌عدالتی و کج‌روی که امروز بشریّت را تهدید میکند، از نماز و یاد خدا نیرو بگیرند. میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ما است، ما را به تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، بیش از همیشه و پیش از همه محتاج میسازد؛ و نماز آن سرچشمه‌ی جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما میبخشد.[1]

عظمت و عزّت کشور در سایه‌ی قرآن و اسلام و نماز

همه‌ی خانواده‌ها و همه‌ی مردم مخصوصاً جوانان به نماز و مسجد و عبادت و جلسات قرآن اهمّیّت بدهند. هرچه امروز این کشور از عظمت و عزّت و قدرت به دست آورده است، در سایه‌ی قرآن و اسلام و نماز و عبادت و ذکر خدا است. هم باید به درس و کار توجّه شود، و هم به تدیّن؛ که تدیّن پشتوانه‌ی همه‌ی اینها است. با نماز و مسجد و عبادت و جلسات دینی و جلسات قرآن باید انس پیدا کنید.[2]

پشتوانه‌ی معنوی تمام مجاهدتها و ایثارها

نماز است که مایه‌های لازم ایثار و گذشت و توکّل و تعبّد را که پشتوانه‌ی حتمی واجبات پرخطر و دشوار همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می‌آورد و او را شجاعانه بدان میدانها گسیل میدارد. هنگامی که به‌خاطر هجوم دشمن، فریضه‌ی جهاد اهمّیّت می‌یابد، یا براثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه‌ی زکات و انفاق، همه را مخاطب

۱. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

۲. در جمع کثیری از مردم بخش دلوار و روستاهای تابعه ۱۳۷۰/۱۰/۱۳

میسازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه‌ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی میشود، در همه‌ی این شرایط، نماز، نه فقط از شأن «خیرالعملی» فرو نمی‌افتد، بلکه به مثابه‌ی پشتوانه‌ی روحی و معنوی همه‌ی مجاهدتها و ایثارها و خطرپذیری‌ها، بر اهمّیّت آن افزوده میشود.[۱]

حیات طیّبه‌ی جامعه در گرو تحقّق اقامه‌ی نماز

نماز، دری گشوده بر روی همه‌ی آحاد امّت است که از آن میتوان به هدایت و رحمت خداوند رسید و زندگی را در سمت و سوی درست و سرشار از خیر و برکت قرار داد. سلامت معنوی هر فرد وابسته به نماز است و صراط مستقیم و حیات طیّبه‌ی هر جامعه نیز تنها با اقامه‌ی نماز در آن تحقّق می‌یابد. این‌همه تأکید بر اقامه‌ی نماز در کتاب و سنّت، هدفی جز این ندارد که این باب رحمت بر روی فرد و جامعه‌ی مسلمان گشوده بماند و فرصت بهره‌مندی از آن دست دهد.[۲]

به ثمررسیدن انقلاب اسلامی به برکت گرایشات معنوی و تقیّد مردم به نماز

قبل از انقلاب، زمانی یکی از نویسندگان معروف عرب به ایران آمده بود. در دیداری که باهم داشتیم، به من گفت: «من به همه‌ی کشورهای اسلامی سفر کرده‌ام؛ امّا در هیچ کشوری ندیدم وقتی مردم سوار بر قطارند و به مسافرت میروند، به هنگام نماز، ناگهان قطار توقّف کند و همه برای ادای نماز پیاده شوند.»؛ میگفت: «من برای اوّل‌بار در ایران است که شاهد چنین موضوعی هستم و در هیچ جای دیگر نظیرش را ندیده‌ام.».

آری؛ همین گرایش معنوی و دینی بود که نقطه‌ی قوّت بعدی را به‌وجود

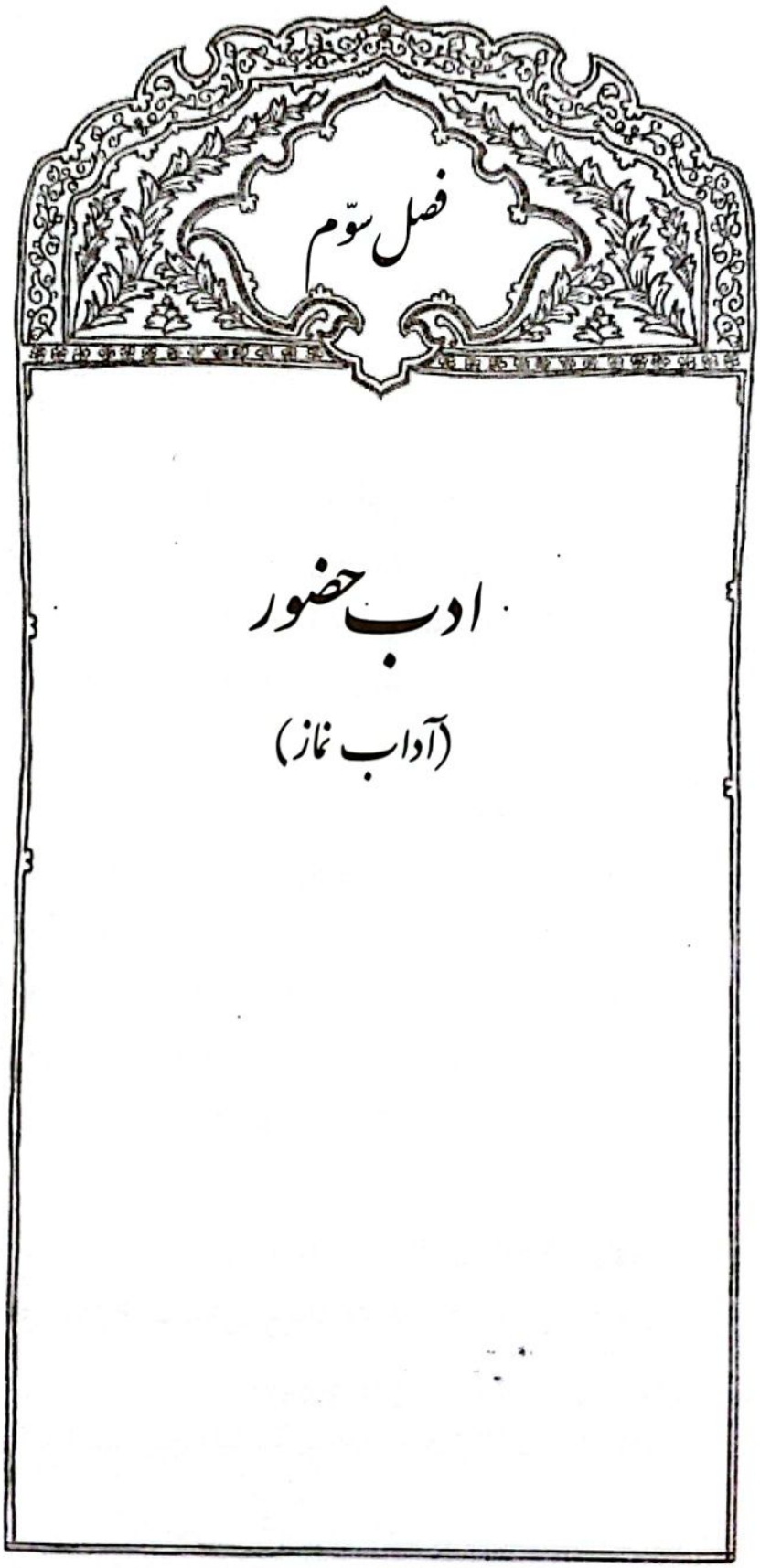
---

۱. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

۲. پیام به بیست‌وپنجمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۵/۹/۱۷

آورد و آن، انجام یکی از بزرگ‌ترین آزمایشهای ملّی و قیامهای شجاعانه‌ی طول تاریخ، در برهه‌ای حسّاس از حیات این ملّت، یعنی انقلاب کبیر اسلامی ما و ایستادن پای این انقلاب و تشکیل حکومتی بر اساس این انقلاب بود که همان حکومت هم جمهوری اسلامی ایران است. اینها از برکات همان دین‌باوری است. دیدید کسانی را که ادّعای آزادی‌خواهی و مبارزه و انقلابیگری میکردند امّا ته‌وتوی وجودشان از دین بیگانه بود، چطور میان راه، سقط و زمین‌گیر شدند و به قول شماها «کُپ» کردند و نتوانستند جلوبیایند؟! امّا ملّت ایران، همچنان پیش رفت و پیش رفت و هنوز هم به برکت ایمان پیش میرود.[1]

۱. در دیدار ارتشیان، به‌مناسبت روز ارتش ۱۳۷۳/۱/۲۴


فصل سوّم
ادب حضور
(آداب نماز)

۱-حضور قلب در نماز

در نماز آنچه که مهم است و باید روی آن تکیه کرد بعد از ترویج اصل نماز ـ که همه را نمازخوان باید کرد و همه نمازخوان بشوند ـ عبارت است از توجّهِ در نماز؛ همان چیزی که «حضور قلب» به آن گفته میشود.[۱]

۱-۱-اهمّیّت حضور قلب در نماز

نماز با حضور قلب، هماهنگ با تمام آفرینش

[نماز با حضور قلب] نمازگزار را با همه‌ی آفرینش، هماهنگ و همسو میسازد و راه را برای تحقّق سنّت‌های الهی در طبیعت و تاریخ، باز میکند؛ چرا که در بینش اسلامی همه‌ی آفرینش در حال تسبیح و عبودیّت حضرت حق است. «یسبّح له ما فی السّموات وما فی الارض»[۲].[۳]

تربیت و تقویت روح با توجّه در اذکار و معانی نماز

جسم انسان بدون ورزش، ضعیف و لاغر و بی‌قدرت خواهد بود. هرکسی

۱. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

۲. سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۲۴، ترجمه: «آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او میگویند.»

۳. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

باشید، هرچه بنیه‌ی قوی و نیرومند داشته باشید، اگر ورزش نکردید و خوردید و خوابیدید، بدن ضعیف میماند؛ شکّی در این نیست. همچنانی که اگر ورزش نکنید، بدن شما آن رشد لازم را نمیکند، زیبایی‌هایی هم دارد که ورزش آنها را آشکار خواهد کرد؛ بدون ورزش نمیشود. روح شما هم عیناً همین‌طور است. بدون ورزش، بدون تمرین و ریاضت، ممکن نیست شما قوی بشوید.

ای‌بسا انسانهایی هستند با جسمهای نیرومند و زیبا، ولی با روحهایی لاغر، زشت، ناتوان و ضعیف. این به درد نمیخورد. تمام عبادات برای این است که ما ورزش کنیم، تربیت بشویم و پیش برویم. البتّه باید عبادات را شناخت. عبادات هم جسم و روحی دارند. جسم عبادات، به تنهایی کافی نیست. نماز را که انسان بخواند، ولی در حال نماز، توجّه به خود ذکر نداشته باشد، ملتفت نباشد که چه میگوید و با چه کسی حرف میزند، مضامین نماز را بکلّی از روی غفلت ادا بکند، این نماز، نماز بی‌فایده‌ای است.[1]

دل دادن به پروردگار در نماز

یک‌وقت انسان نماز میخواند، مثل بقیّه‌ی عادات روزانه؛ مسواک میزنیم، فرض بفرمایید، ورزش میکنیم، همین‌جور نماز هم میخوانیم در وقت. یک‌وقت نه، انسان نماز میخواند، با این احساس که میخواهد حضور در محضر پروردگار پیدا کند؛ این یک‌جور دیگر است. ما همیشه در محضر پروردگاریم؛ خواب باشیم، بیدار باشیم، غافل باشیم، ذاکر باشیم؛ لیکن یک‌وقت هست که شما وضو میگیرید، تطهیر میکنید، خودتان را آماده میکنید، با طهارت جسم، با طهارت لباس، با طهارت معنویِ ناشی از وضو و غسل میروید خدمت پروردگار عالم. ما در نماز باید یک چنین احساسی داشته باشیم؛ رفتیم خدمت پروردگار، عرض کردیم؛ با این حال وارد نماز باید

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم، روز سی‌ام ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۲/۶

شد؛ خود را در مقابل خدا باید احساس کرد؛ مخاطب باید داشت در نماز؛ وَالّا صرف اینکه یک امواجی را که ناشی از کلمات و حروف است، در فضا منتشر کنیم، این آن چیزی نیست که از ما خواسته شده. میشود همین‌طور گفت: «الحمدلله ربّ العالمین. الرّحمن الرّحیم. مالک یوم الدّین...»[1] و امواجش را منتشر کنیم. همین را میشود با قرائت خوب هم خواند، امّا بی‌توجّه، که بازهم همان منتشر کردن امواج صوتی است در هوا. این، آن چیزی نیست که از ما خواسته شده. از ما خواسته شده که در حال نماز دلمان را ببریم به پیشگاه پروردگار؛ از دلمان حرف بزنیم، با دلمان حرف بزنیم. اینها مهم است. این را در وضع ترویج نماز، در نمازی که خود ما میخوانیم، نمازی که به دیگران تعلیم میدهیم، این نکته‌ی روح نماز را باید توجّه کنیم.[2]

نمازِ با توجّه؛ اکسیر اعظم

یکی از اهلِ معنا گفته بود من روزی چند هزار مرتبه فلان ذکر را بر این دل خفته‌ی غافل خودم خواندم. چه تعبیر خوبی است. نماز همان ذکری است، همان آب حیاتی است که انسان به دل خود میبخشد؛ نمازِ با توجّه؛ توجّه به معنا، توجّه به اینکه در مقابل خدا قرار داریم. نماز را این‌طوری بخوانید. وقتی به نماز می‌ایستید، به یاد بیاورید که در مقابل خداوند متعال ایستاده‌اید و دارید با او حرف میزنید. در سرتاسر نماز سعی کنید این حالت حفظ بشود؛ آن‌وقت این نماز اثر میگذارد و دل انسان را مثل اکسیر عوض میکند. اکسیر مادّه‌ی کیمیایی است که میگویند مس را طلا میکند. دل ما از مس هم که باشد، اکسیر ذکر آن را به طلا تبدیل میکند. این، خیلی مهم است.[3]

---

۱. سوره‌ی حمد، آیات ۲ الی ۴

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. در دیدار با انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۱۹

نماز از سر غفلت؛ عامل قساوت قلب

رحمت خدا بر مرحوم شیخ محمّد بهاری که در یکی از نوشته‌هایشان میگویند که دعا و ذکر و شاید نماز، وقتی بی‌توجّه تکرار میشود، قساوت می‌آورد! نماز میخوانیم، نمازِ مایه‌ی قساوت؛ چرا؟ چون در حال نماز حضور قلب نداریم، توجّه نداریم. پس این نماز یا با توجّه است، که مایه‌ی رقّت و قرب و لطافت و صفا است؛ یا نمازِ بی‌توجّه است، که آن‌وقت به گفته‌ی ایشان مایه‌ی قساوت قلب است.[1]

نماز بی ذکر و حضور؛ کالبدی بی‌روح

نماز همین برزبان راندن کلمات و گزاردن حرکاتی معیّن نیست. آن‌همه فیض و برکت، بر پدید آوردن امواج صوتی و اعمال بدنی بی‌آنکه روح ذکر و توجّه در سراسر این کالبد دمیده باشد، مترتّب نمیگردد؛ اگرچه حدّاقلِّ تکلیف با آن ساقط میگردد. روح نماز، یاد خدا و خشوع و حضور در برابر او است و این کلمات و اعمالی که با تعلیم الهی بر مکلّف، واجب گشته است بهترین قالب برای آن روح و نزدیک‌ترین راه به آن سرمنزل مقصود است. نماز بی ذکر و حضور، کالبدی بی‌روح است که اگرچه نام نماز بر آن، مَجاز نیست، لیکن اثر و خاصیّت نماز نیز از آن مترقّب نیست. از این حقیقت، در آثار دینی با عنوان «قبولی نماز» سخن رفته است، و چنین آمده است که از یک نماز که تو میگزاری تنها هرآنچه با حضور و توجّه آورده شده قبول است و بس.[2]

کم‌اثر بودن نماز بی‌توجّه

نماز قالبی دارد و مضمونی؛ جسمی دارد و روحی. مواظب باشیم جسم

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران حج ۱۳۸۷/۸/۱۵

۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۲/۶/۱۶

نماز از روح نماز خالی نماند. نمیگوییم جسم بی‌روح نماز هیچ اثری ندارد؛ چرا، بالاخره یک اثرکی دارد؛ امّا آن نمازی که اسلام و قرآن و شرع و پیغمبر و ائمّه(علیهم‌السّلام) این‌همه روی آن تأکید کردند، نمازی است که جسم و روحش هردو کامل باشد. این جسم هم متناسب با همان روح فراهم شده؛ قرائت دارد، رکوع دارد، سجود دارد، به خاک افتادن دارد، دست بلند کردن دارد، بلند حرف زدن دارد، آهسته حرف زدن دارد. این تنوّع برای پوشش دادن به همه‌ی آن نیازهایی است که به‌وسیله‌ی نماز بایستی برآورده شود که هرکدام رازی در جای خود دارد و مجموعه‌ی اینها، قالب و شکل نماز را به‌وجود می‌آورد. این شکل خیلی مهم است، لیکن روح این نماز توجّه است؛ توجّه. بدانیم چه‌کار داریم میکنیم. نماز بی‌توجّه، همان‌طور که عرض کردم، اثرش کم است. شما از یک تکّه الماس چند قیراطیِ خیلی ارزشمند دو جور میتوانید استفاده کنید؛ یک‌جور این است که مثل یک الماس، مثل یک سنگ قیمتی از آن استفاده کنید، یکی هم این است که آن را به‌عنوان سنگ ترازو به کار ببرید و به‌جای سنگ چند گرمی تو ترازو بگذارید و در مقابلش مثلاً فلفل یا زردچوبه بکشید! این هم استفاده از الماس است؛ امّا چه‌جور استفاده‌ای؟! این مثل تضییع الماس است. البتّه بازهم با شکستن الماس فرق دارد؛ بازهم همین‌قدر، شکستن از او بدتر است؛ امّا استفاده از الماس هم این نیست که آدم او را سنگ ترازو قرار بدهد و با او فلفل و زردچوبه وزن کند. با نماز مثل الماسی که سنگ ترازو کرده‌ایم، نباید رفتار کنیم. نماز خیلی ذی‌قیمت است.[1]

کسالت در نماز نتیجه‌ی بی‌توجّهی و مخاطب قرار ندادن خدا

اگر خدا به من و شما توفیق بدهد، نمازی بخوانیم که با توجّه باشد،

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

خواهیم دید که انسان در هنگام توجّه به نماز از نماز سیر نمیشود. انسان وقتی به نماز توجّه پیدا کند، آن‌چنان لذّتی پیدا میکند که در هیچ‌یک از لذایذ مادّی این لذّت وجود ندارد. این در اثر توجّه است. بی‌توجّهی به نماز، کسالت در حال نماز، از خصوصیّات منافقین است؛ نه اینکه حالا هرکسی در حال نماز کسالت داشت، منافق است؛ نه! خدا منافقین را در قرآن معرّفی میکند و میگوید اینها را از این بشناس! در زمان پیغمبر منافقینی بودند که برای خاطر این‌وآن نماز میخواندند و در دل به نماز اعتقادی نداشتند. «واذا قاموا الی الصّلوة قاموا کسالی یرائون النّاس»[1]. بله، وقتی کسی طرف خطاب ندارد، با خدا حرف نمیزند، خسته میشود و برایش یک کار طولانی به نظر می‌آید؛ چهار رکعت نماز که چهار دقیقه، پنج دقیقه طول میکشد، برای او یک زمان طولانی به نظر می‌آید؛ درحالی‌که چهار دقیقه مگر چقدر است؟ انسان اگر در این حالت با خدا طرف خطاب بشود، آن‌وقت خواهد دید که مثل برق گذشت؛ دریغ میخورد، افسوس میخورد و دلش میخواهد طولانی‌تر بشود.[2] سعی کنید نماز را از حالت کسالت‌آور برای خودتان خارج کنید؛ چون اگر نماز را از یک کار همین‌طور از حفظی و به‌اصطلاح حالت طوطی‌واری خارجش نکنیم، یک چیز کسالت‌آوری میشود؛ یعنی آدم باید بلند شود وضو بگیرد و برود یک کاری را که نمیداند چیست، انجام دهد. امّا اگر معانی این کلمات را بفهمید، آن‌وقت خواهید دید که نماز اصلاً کسالت‌آور نیست؛ بلکه شوق‌آور است و انسان به‌سوی نماز می‌شتابد.[3]

---

۱. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۴۲، ترجمه: «و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند؛ با مردم ریا میکنند.»

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. در دوّمین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر، روز انقلاب اسلامی و جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

۱-۲-راهکارهای کسب حضور قلب در نماز

تمرین برای ایجاد حالت تمرکز در نماز

حضور قلب و توجّه، کاری است که به تمرین احتیاج دارد. کسانی که این کارها را کرده‌اند و بلدند، به ما یاد میدهند که انسان باید در حال نماز، خود را در حضور یک مخاطب عالی‌شأن و عالی‌مقام که خالق هستی است و مالک همه‌ی وجود انسان است، احساس کند. هر مقدار از نماز که توانست این حالت را داشته باشد، به تعبیر روایات، این نماز، نمازِ مقبول است و آن خاصیّت و اثر را خواهد بخشید. و دیگر آثار نماز ـ که نمیشود آثار نماز را در چند جمله یا در چند فقره‌ی کوتاه خلاصه کرد ـ بر این مترتّب میشود.[1] اگر ترجمه‌ی نماز را بلدید، سعی کنید در حال نماز تمرکز پیدا کنید؛ این تمرکز، امر بسیار مهمّی است؛ تا آنچه را بر زبان جاری میکنید «حتّی تعلموا ما تقولون»؛ بفهمید چه میگویید. آیه‌ی قرآن است دیگر؛ میگوید که مستْ مشغول نماز نشوید ـ «لاتقربوا الصّلاة وأنتم سکاری حتّی تعلموا ما تقولون»[2] ـ تا بفهمید چه میگویید. مشغول حرف زدن با خدایید؛ این، تمرکز میخواهد. حواس ما پرت میشود؛ غالباً در حال نماز، ذهنمان به جاهای دیگر میرود. باید در حال نماز، تمرکزی در خودمان ایجاد کنیم؛ اگر این تمرکز پیدا شد، قدم بعدش حضور قلب است. من عرض کنم به شما؛ پاداشی که خدا برای حفظ تمرکز و توجّه به شما میدهد، حضور قلب است. اگر شما توانستید کلمات و عبارات نماز را با توجّه به معانی‌اش بیان کنید، خدا پاداشی چنین نقد در دستتان میگذارد و آن پاداش این است که بعد از لحظاتی، در شما حضور قلب پیدا خواهد شد؛ به خدا توجّه پیدا میکنید و دلتان رقیق میشود؛ گاهی اشکتان جاری میشود؛ حالت نیاز در شما پیدا

---

۱. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۴۳، ترجمه: «در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه میگویید.»

میشود؛ و این، پاداش آن مجاهدتی است که میکنید، و مهار ذهن را محکم میچسبید که این‌طرف و آن‌طرف نرود.[1]

توجّه به مخاطب بودن خدا در نماز

حضور قلب یعنی انسان از آنچه که میگوید و آنچه که در ذهنش میگذرد و بر زبانش جاری میشود، غافل نباشد؛ این‌جور نباشد که نفهمد. مثلاً من که حالا دارم با شما حرف میزنم، خب، شما مخاطبید؛ انسان توجّه دارد که یک مخاطبی دارد و دارد گوش میکند و دارد حرف میزند. در نماز هم همین‌جور باشد؛ یک مخاطبی داشته باشیم، با او حرف بزنیم. من حتّی عرض میکنم اگر کسی معنای نماز را هم نداند، اصلاً هیچ نداند معنای این عبارات چیست، امّا همین‌قدر بداند دارد با یکی حرف میزند، دارد با خدا حرف میزند، این قضیّه انسان را نزدیک میکند ـ «قربان کلّ تقیّ»[2] ـ این خودش مقرِّب است؛ تا اینکه حالا مثل ماها که معنایش را میدانیم و تفسیرش را میدانیم و چندین کتاب درباره‌اش خوانده‌ایم، امّا وقتی‌که نماز میخوانیم، بالمرّه[3] یادمان میرود که چه‌کار داریم میکنیم.[4] هرکس بخواهد، میتواند به سمت خدا برود و با خدا خودش را آشنا و به او نزدیک کند. در نماز، انسان باید به معنای واقعی کلمه احساس کند که با یکی دارد مخاطبه میکند و حرف میزند؛ از او کمک میخواهد، به او پناه میبرد، از او استضائه[5] میکند و رحمت و فضل و کمک او را جذب میکند.[6]

---

۱. در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۵/۱۹
۲. نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره‌ی ۱۳۶
۳. به یک‌باره، یک‌دفعه
۴. پس از اقامه‌ی نماز در جمع برخی از شخصیّتهای فرهنگی ـ سیاسی ۱۳۹۰/۱/۲۳
۵. طلب توانایی
۶. در دیدار طلّاب و اساتید مدرسه‌ی علمیّه‌ی آیت‌الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۱

لزوم یاد گرفتن معانی اذکار نماز

نباید بگوییم که ما فارسی‌زبانیم و نمیتوانیم عبارات عربی را بفهمیم. مجموع عباراتی که در نماز خوانده میشود از اوّل تا به آخر یاد گرفتن آن برای آدمهای متوسّط، یک ساعت هم کار ندارد؛ خیلی آسان است. کتابهایی هم نوشته شده که اینها را ترجمه کرده‌اند. اگر به معانی توجّه کنید و بفهمید که مضمون این کلمات چیست و در آنها تدبّر کنید، البتّه بهتر است. اگر این مقدار هم ممکن نشد، حدّاقل وقتی در حال سجده‌اید، بدانید که با خدا حرف میزنید؛ وقتی در حال رکوعید، بدانید که پروردگار عالم را تعظیم میکنید؛ وقتی در حال قرائت و ذکر هستید، بدانید که با چه کسی حرف میزنید. نفْس همین توجّه، مهم است. اگر این توجّه حاصل بشود و یاد خدا در نماز تأمین گردد که «ولذکرالله أکبر»[1]، این نماز برای شما «معراج المؤمن» خواهد بود و شما را عروج خواهد داد. عروج، همین است که شما در باطن خودتان، صفا و لطافت و نورانیّت بیشتری را بعد از نماز احساس میکنید.[2]

۲-نماز اوّل وقت

کسب فضیلت اوّل وقت و دفع آفات تأخیر

کار درست و نیک را باید هرچه زودتر انجام بدهیم؛ مثل عبادات، مثل نمازِ اوّلِ وقت و مثل بقیّه‌ی کارهایی که موقّت[3] است، هرچه انسان آن کار را در لحظات اوّل و نزدیک‌تر به آن لحظات اوّل انجام بدهد، این فضیلت بیشتری دارد؛ چون انسان احساس میکند تکلیف را انجام داد و در تأخیر آفاتی هست؛ انسان خود را از آن آفات برکنار میدارد.[4]

---

۱. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵، ترجمه: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»
۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم، روز یازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۱/۱۸
۳. دارای وقت معیّن
۴. در روز انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهرها ۱۳۸۵/۹/۲۴

ضرورت پرهیز از ترک نماز اوّل وقت

مؤمن هیچ کار خیری را هم از روی خجالت و حیا ترک نمیکند. به بعضی‌ها میگویند: آقا! چرا فلان‌جا نماز یا نافله یا نماز اوّل وقتتان را نخواندید؟ میگویند خجالت کشیدیم! نه، از روی حیا، هیچ کار نیکی را ترک نکنید. خواهند گفت متظاهر است؟ بگویند. خواهند گفت خودشیرینی میکند؟ بگویند. اگر حرفی حق است و اگر کاری خوب است، آن را به‌خاطر ملاحظه‌ی دیگران ترک نکنید.[1] کار کردن در یک کارگاه علمی، کارگاه آموزشی، مرکز تحقیقات، فلان کلاس درس و فلان دانشگاه، هیچ منافاتی با این ندارد که انسان نمازش را اوّل وقت، با توجّه و با احساس حضور در مقابل خداوند به جا آورد. این، دل شما را شستشو میدهد.[2]

اقامه‌ی نماز اوّل وقت در ادارات

دیانت را در محیط کار خودتان زنده کنید. من به ارتشی‌ها هم این را گفتم؛ به ادارات هم این را عرض میکنم؛ به دانشگاهی‌ها از دانشجو و استاد هم این را گفتم؛ محیط را محیط دینی کنید. این بد است که در اداره‌ای نمازخانه باشد و شما که رئیس اداره هستید در آن حضور پیدا نکنید. بروید نماز را در نمازخانه بخوانید. نماز را که باید خواند؛ اوّلِ وقت که بهتر از ثانی وقت است؛ به جماعت که بهتر از تنها است؛ نماز فریضه، که در ملأ بهتر است تا در خلوت. بله، نماز نافله و اینها را در خلوت میخوانند؛ امّا نماز فریضه را باید در ملأ بخوانند. شما اوّل ظهر فقط ده دقیقه از اتاقتان بیرون بیایید؛ قبلاً وضو بگیرید و آماده شوید. البتّه من با آن روشی هم که چند سال قبل از این بود، همان وقت هم مخالف بودم؛ حالا هم هرکس استفتاء و سؤال میکند، میگویم آن روش را قبول ندارم که گویا حالا زنگ

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۵/۸

۲. در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۵/۶/۲۵

تفریح است؛ آقایان از اتاقها بیرون بیایند، بگویند، بخندند، سیگار بکشند؛ یواش‌یواش بروند دستشویی، یواش‌یواش وضو بگیرند؛ یک ساعت وقت مردم را تلف کنند که میخواهند چهار رکعت نماز بخوانند! من، با این مخالفم... خودشان را آماده کنند؛ قبلاً وضو بگیرند، آماده شوند؛ اوّل وقتِ نماز که شد، بروند توی مسجد، بلافاصله نماز بخوانند. نماز ظهر و عصر، حدّاکثر یک ربع ساعت طول میکشد؛ یک ربع بعد، بیایند در اتاقهایشان. اوّلْ کسی هم که میرود، شما باشید که رئیسید؛ این، خیلی خوب است. محیط ادارات ما، باید محیط دینی و اسلامی شود.[1]

۳-اخلاص

یکی از ویژگی‌ها که بسیار مهم است تا برای خودسازی به آن توجّه کنیم و شاید جنبه‌ی تقدّمی هم داشته باشد، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و اینکه کاری را مغشوش انجام ندهیم. گاهی هست که کسی عبادت نمیکند و گاهی عبادت میکند، امّا مغشوش و ناخالص؛ این هم مثل آن است. خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. در بین مردم، متأسّفانه خیلی رایج است که کارهای خوب خودشان را بر زبان بیاورند و بگویند؛ کأنّه توجّه ندارند که نباید کار نیک را به زبان آورد و گفت که ما میخواهیم این کار را بکنیم یا ما این کارها را میکنیم. البتّه برخی جاها استثنا است. در جاهایی، بعضی از کارها باید در علن انجام گیرد. در روایات در باب صدقه، آمده است که «صدقه‌ی سِر» این ثواب را دارد و «صدقه‌ی علانیّه[2]» این ثواب را. یا مثلاً عبادات گروهی، جلوی چشم مردم انجام میگیرد و باید انجام گیرد؛ و این از شعائر الهی است. امّا بسیاری از عبادات یا اغلب

۱. در دیدار مسئولان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷
۲. آشکار

عبادات، آن روابطی که بین خود انسان و خدا است ـ ذکر، توجّه، دعا، نافله، شب‌زنده‌داری، سحرخیزی، احسان و کارهای نیک ـ باید بین خود انسان و خدا بماند. مبادا انسان به‌خاطر اینکه دیگران ببینند، کاری را انجام دهد! کاری که انسان به‌خاطر توجّه دیگران به خودش انجام دهد، از نکردن آن کار بدتر است؛ زیرا نکردن کار، یعنی انسان کاری را انجام نمیدهد. کاری که انسان برای جلب توجّه دیگران نسبت به خودش انجام داده، کأنّه انجام نداده است. البتّه بدتر بودنش هم ازاین‌جهت است که عمل شرک‌آلودی انجام داده و این عمل شرک‌آلود، فعل حرام است و دورکننده است. بنابراین همه‌مان در هرجا و در هر موقعیّتی که هستیم، باید خیلی تلاش کنیم که کار را خالص انجام دهیم.[1]

یک رکعت برابر با هزاران نماز

از پیغمبر اکرم(صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه‌وآله) نقل شده است که فرمود: «إنّ لکلّ حقٍّ حقیقة»؛ هر چیزی دارای حقیقتی است و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد. «و ما بلغ عبدٌ حقیقة الإخلاص»؛ بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمیرسد. «حتّی لا یحبّ أن یحمد علی شیءٍ من عملٍ لله»[2]؛ (این خیلی سخت است؛ این، مرتبه‌اش از آن مراتب بسیار بالا است.) مگر اینکه دوست نداشته باشد که مردم او را برای هیچ‌یک از کارهایی که برای خدا انجام میدهد، ستایش کنند. مثلاً فردی است که کار را برای دیگران انجام نمیدهد؛ برای خاطر خدا نماز میخواند، ختم قرآن میگیرد، کار خیری انجام میدهد، احسان و کمک و صدقه‌ای میدهد و مجاهدتی برای خدا میکنـد؛ امّا دوست میدارد که مردم بگویند: «ایشان چقدر آدم خوبی است.»؛ کارش را برای مردم نکرده است؛ کار را برای خدا

---

۱. در روز اوّل ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴

۲. بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار(ع)، ج ۶۹، ص ۳۰۴

انجام داده و تمام شده؛ امّا از مدح مردم و از اینکه مردم از او تعریف کنند، خوشش می‌آید. میفرماید این، آن مرتبه‌ی عالی اخلاص نیست. مرتبه‌ی عالی اخلاص این است که این را هم دوست نداشته باشد. اصلاً کاری به کار مردم نداشته باشد! میخواهد بدانند، میخواهد ندانند؛ میخواهد خوششان بیاید، میخواهد خوششان نیاید. نگاه کند ببیند خدا از او چه خواسته است و دقیقاً آن را انجام دهد.

...خدای متعال میگوید: «اگر به بنده‌ی مخلِص یا مخلَص، همه‌ی دنیا را هم بدهم، حقّ او ادا نشده است.»[1]؛ بنابراین، جزای او متناسب با عملی که انجام میدهد، نیست. یک نماز او برابر هزاران نمازی است که بندگان خوب خدا بخوانند.[2]

نماز با اخلاص؛ بالاترین عبادتها

نمازی که انسان میخواند، اگر به قصد تقرّب به خدا بخواند، توجّهش به خدا باشد، با اخلاص نماز بخواند، این بالاترین عبادتها است؛ اگر همین نماز را برای ریا بخواند، این نماز میشود معصیت و خود آن نماز، میشود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم میشود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد.[3]

دعا؛ درمان درد بزرگ بی‌اخلاصی

با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص

---

۱. «عن العسكريّ(ع) قال: لو جعلت الدّنيا كلّها لقمةً واحدةً ثمّ لقّمتها من يعبد الله خالصاً لرأيت أنّي مقصّرٌ في حقّه»؛ ترجمه: «اگر تمام دنیا به صورت یک لقمه‌ای شود و من آن را بدهم به کسی که با اخلاص کامل خدا را عبادت مینماید بازهم میبینم خود را که در ایفای حقّ چنین بنده‌ای کوتاهی کرده باشم.» بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار(ع)، ج ۶۷، ص۲۵۰

۲. در روز اوّل ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴

۳. .در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵

میدهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را میشود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولیِ روزمرّه‌ی زندگی را هم با نیّت تقرّب به خدا انجام میدهند و میتوانند. بعضی هم هستند که حتّی قربی‌ترین و عبادی‌ترین کارها ـ مثل نماز ـ را نمیتوانند برای خدا انجام دهند. بی‌اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان میدمد.[1]

۴-خشوع

چهارمین از وصیّتی که نبیّ مکرّم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) به امیرالمؤمنین فرمودند این است: «کثرة البکاء من خشیة الله تعالی»[2]؛ کثرت بکاء، زیاد گریستن، از خشیت الهی است. خب گریستن یک حالتی است در انسان که معلول یک فعل و انفعالات درونی است. گریه کردن به‌زور یا امکان ندارد، اگر فرض کنیم که آن‌هم ناشی از فعل و انفعالات درونی نیست، این نوع گریه کردن فایده ندارد. آن گریه‌ای که ناشی باشد از تصوّر یک حقیقتی که مهم‌ترین این حقایق این است که انسان خود را در مقابل خدای متعال احساس کند و از عظمت الهی، از کبریای الهی در او حالتی از خضوع و خشوع و تذلّل به‌وجود بیاید که موجب بشود اشک انسان جاری شود. آن حالت دگرگونی قلبی در انسان که موجب میشود اشک جاری شود، این را باید انسان به‌وجود بیاورد. راه آن‌هم همین توجّه به خدای متعال است. در نماز، در دعا، اگر چنانچه انسان احساس کند که در مقابل خدای متعال قرار گرفته است این احساس حضور در محضر الهی انسان را متغیّر میکند، اشک را جاری میکند. حضور قلب در نماز خاصیّتش این است. حضور قلب هم البتّه فقط این نیست که انسان کلمات نماز را در ذهن خودش

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۷/۲۹

۲. کافی، ج ۸، ص ۷۹

معنا کند بلکه احساس حضور در مقابل پروردگار بکند و احساس اینکه دارد با خدای متعال حرف میزند. این احساس است که در انسان حالت خشوع را به‌وجود می‌آورد و این حالت خشوع منتهی میشود به بکاء؛ غالباً این‌جور است. بزرگان این‌جور توصیه میکردند که آنچه مهم است این است که توجّه کنید تعمّد در خروج از حضور در نماز حاصل نشود؛ یعنی عمداً ذهنتان را به جایی نبرید. گاهی اوقات انسان در حال نماز به‌طور طبیعی از حالت توجّه بیرون می‌آید که خیلی از اوقات اختیاری نیست. البتّه اگر انسان بتواند از تفرّق ذهن خودش در اوقات شبانه‌روز مانع بشود و متوجّه و متذکّر الهی باشد، این حالت ذکر در نماز بیشتر برای انسان فراهم خواهد شد. طبعاً در حال نماز، عطفِ توجّه از نماز و توجّه الی‌الله برای ما حاصل میشود. خب! به‌مجرّداینکه توجّه کردیم که ذهن ما منصرف شده، ذهن را برگردانیم به سمت حضور؛ همین مطلوب است که بزرگان این‌جوری به ما و امثال ما توصیه میکردند. به‌هرحال اگر چنانچه این حالت توجّه به‌وجود بیاید، آن‌وقت دنباله‌اش این بکاء هم هست. این قهری است! این حالت بکاء ـ که ناشی از آن خشیت است ـ به‌طور طبیعی عارض میشود.[1]

۵- صحیح خواندن نماز

واجب است که همه‌ی ذکرهای واجب نماز از قبیل قرائت حمد و سوره و غیر آنها به‌طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیّت صحیح تلفّظ کلمات عربی را نمیداند، واجب است که یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است.[2] بعضی‌ها در تقلید زبانهای خارجی مقیّدند که حتماً لهجه را رعایت کنند که البتّه این لازم هم است؛ بالاخره اگر شما بخواهید با کسی به زبان انگلیسی یا عربی حرف بزنید، نمیشود مثل همان

۱. حدیث اخلاقی در ابتدای درس خارج ۱۳۹۲/۵/۱
۲. اجوبة الاستفتائات، مسئله‌ی ۴۶۷

لهجه‌ی فارسی با او حرف بزنید؛ باید به لهجه‌ی خودش باشد؛ امّا وقتی به نماز و قرآن میرسند، متأسّفانه وسوسه‌شان میگیرد و میگویند چه لزومی دارد که ما این «و لا الضّالّین» را مَد بدهیم؛ همین‌طور مثل سایر کلمات به‌صورت عادی ادا کنیم! اینها غافل از این هستند که این «و لا الضّالّین» بدون مَد، آن چیزی نیست که نازل شده است؛ اصلاً «و لا الضّالّین» با مَد نازل شده است. اصول زبان این را به ما دیکته میکند که این‌طوری بگوییم؛ اگر این‌طوری نگفتیم، مثل این است که اصلاً آن را نگفته‌ایم![1]

۶-سبک نشمردن نماز

صرف وقت برای نماز، حدّاقل به‌اندازه‌ی کارهای دیگر

امام صادق(علیه‌السّلام) در بیماریِ رحلت به وصیّشان میفرمایند که: «لیس منّی من استخفّ بالصّلوة»[2]؛ از ما نیست کسی که نماز را سبک بشمارد. استخفاف یعنی سبک شمردن، کم‌اهمّیّت شمردن. حالا این نمازِ با همه‌ی این خصوصیّات، با همه‌ی این فضایل، چقدر از انسان وقت میگیرد؟ نماز واجب ما ـ این هفده رکعت ـ اگر انسان بخواهد با دقّت و با قدری ملاحظه بخواند، فرض کنید ۳۴ دقیقه وقت میگیرد، وَالّا کمتر وقت خواهد گرفت. ما گاهی اوقات میشود که پای تلویزیون در انتظار برنامه‌ای که مورد علاقه‌ی ما است نشسته‌ایم و قبل از آن، دائم تبلیغات، تبلیغات، تبلیغات ـ بیست دقیقه، پانزده دقیقه ـ که هیچ‌کدام هم به درد ما نمیخورد، می‌نشینیم گوش میکنیم و بیست دقیقه وقتمان را از دست میدهیم، برای خاطر آن برنامه‌ای که میخواهیم. بیست دقیقه‌های زندگی ما این‌جوری است. منتظر تاکسی میشویم، منتظر اتوبوس میشویم، منتظر رفیقمان میشویم که بیاید جایی برویم، منتظر استاد میشویم که سر کلاس دیر کرده، منتظر منبری میشویم که

---

۱. در دیدار با اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۱۳

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۵۶

دیر به مجلس رسیده؛ همه‌ی اینها ـ ده دقیقه، پانزده دقیقه، بیست دقیقه ـ به هدر میرود. خب، این ۲۰ دقیقه و ۲۵ دقیقه و ۳۰ دقیقه را برای نماز ـ این عمل راقی، این عمل بزرگ ـ مصرف کردن مگر چقدر اهمّیّت دارد.[1]

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹



شوق وصال

(اہمیت و جایگاہ نوافل و مستحبات)

تأثیر مستحبّات نماز در ایجاد حضور قلب

در روایات برای حالات مختلف نماز یک خصوصیّاتی را گذاشتند؛ واجب نیست، مستحب است. در وقت ایستادن به کجا نگاه کنید؛ در وقت سجده کردن به کجا نگاه کنید؛ در وقت رکوع، بعضی از روایات دارد، چشمتان را ببندید؛ بعضی روایات دارد به جلو نگاه کنید؛ این خصوصیّات همه کمک میکند به آن حالت حضور و توجّهی که برای انسان لازم است.[1]

انجام صحیح نماز فریضه؛ زمینه‌ساز اشتیاق به نوافل

بعضی‌ها دنبال برخی از خصوصیّاتند؛ کسی را پیدا کنند، از او ذکری بگیرند، از او ریاضتی فرابگیرند. اینها لازم نیست؛ ریاضت شرعی، مشخّص است. اگر همین نمازها را بخوانیم، درست بخوانیم، به‌وقت بخوانیم، ارکانش را درست به جا بیاوریم، با توجّه بخوانیم، یا روزه را درست بگیریم ـ همین واجبات و فرایضی که در اختیار ما است ـ همینها انسان را پرواز میدهد.

و من به شما عرض بکنم؛ ما اگر چنانچه همین مقدار را انجام دهیم،

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

خود این زمینه‌ای خواهد شد برای جذب انوار الهی به میزان زیاد؛ یعنی این حدّاقلّی که برای ما لازم است، هنرش فقط این نیست که ما را قادر خواهد کرد بر اینکه این راه را طی کنیم؛ بلکه هنر دیگرش این است که زمینه‌ی ما را برای جذب بیشتر نور الهی و تفضّل الهی فراهم خواهد کرد. وقتی انسان نماز فریضه را خوب بخواند، به‌طور طبیعی میل به نوافل پیدا خواهد کرد. وقتی انسان از دروغ، از غیبت، از قول به‌غیرعلم، از تهمت، از افساد، از مال‌مردم‌خوری، از خیانت در امانت پرهیز کند، خود این، دل انسان را آماده‌ی تلقّی هدایت الهی و معرفت الهی خواهد کرد؛ ما را پیش خواهد برد.[1]

توصیه به نماز شب برای تحمّل بار سنگین مسئولیّت

حضرت حق، به پیغمبر و عزیز و حبیب خودش که برترین انسانها در طول تاریخ، از اوّلین و آخرین بود، خطاب فرمود که نماز شب را بخوان؛ نیمه‌شب برخیز، ارتباط و اتّصال خود را مستحکم کن؛ چون کارِ سنگینی در پیش داری. «انّا سنلقي علیک قولاً ثقیلا»[2]؛ تحمّل این بار، سخت است. آنانی که در وسط این راهِ پر دشمن و شیطان، لرزیدند، لغزیدند، منصرف شدند، به دشمن پیوستند، یا به آفات دیگر مبتلا شدند، اینجای کارشان ـ معنویّت ـ عیب داشته است.[3] اینکه در گذشته برخی از رؤسای مدارس، سحر میرفتند، نگاه میکردند ببینند کدام‌یک از طلبه‌ها دارد نماز شب میخواند و کدام نمیخواند، یعنی مراقبت میکردند که طلبه حتّی‌المقدور از نماز شب محروم نماند، خیلی حرف پُرمعنایی است. البتّه آن روز این

---

۱. در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت دهم در روز پنجم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴ ۱۳۹۲/۴/۲۳

۲. سوره‌ی مزمّل، آیه‌ی ۵، ترجمه: «درحقیقت ما به‌زودی بر تو گفتاری گران‌بار القا میکنیم.»

۳. در دیدار روحانیون و طلّاب ایرانی و خارجی در صحن مدرسه‌ی فیضیّه‌ی قم ۱۳۷۴/۹/۱۶

کار آسان‌تر بود؛ امروز با تلویزیون و سریالهای تلویزیونی و از این حرفها، کار مشکل است؛ امّا این کار مشکل را باید شما انجام بدهید.[1]

صفای روح و دل؛ تنها به‌وسیله‌ی نماز و ذکر و توسّل

تا آنجایی که میتوانید، به نماز و توجّه و ذکر در نماز و به نوافل اهمّیّت دهید. خدای متعال به پیغمبر اکرم میفرماید: «قم اللّیل الاّ قلیلاً نصفه اوانقص منه قلیلاً اوزد علیه ورتّل القرآن ترتیلاً انّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً»[2]؛ یعنی نصف شب را بیدار بمان، یا دو ثلث شب را بیدار بمان و عبادت کن ـ که این برای پیغمبر است؛ من و شما خیلی دهنمان میچاید که از این حرفها برای خودمان بزنیم ـ چرا؟ «انّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً»؛ ما میخواهیم سخن سنگینی را به تو القا کنیم؛ میخواهیم حرف بزرگی را به تو بزنیم؛ بنابراین باید خودت را آماده کنی.

بار سنگین احتیاج به آمادگی روحی دارد؛ این آمادگی روحی هم همین‌طوری به دست نمی‌آید. اینکه ما بگوییم آقا برو دلت را صاف کن، بله، اساس همان صاف کردن دل است؛ امّا صاف کردن دل فقط از راه نماز، از راه توسّل، از راه توجّه و از راه ذکر به دست می‌آید.

اگر کسی خیال کند که میتوان دل و روح را بدون اینها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبّر و با دقّت، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجّادیّه، دل انسان صاف میشود؛ وَالّا این‌طوری نیست که بگوییم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی.[3]

---

۱. در دیدار مدیران، مدرّسان و طلّاب حوزه‌های علمیّه‌ی استان تهران ۱۳۹۶/۶/۶

۲. سوره‌ی مزمّل، آیات ۲ الی ۵، ترجمه: «به پا خیز شب را مگر اندکی. نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه. یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. درحقیقت ما به‌زودی بر تو گفتاری گران‌بار القا میکنیم.»

۳. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

تا آنجا که میتوانید نماز شب بخوانید!

هرچه میتوانید خودتان را بسازید؛ هم ازلحاظ فکری بسازید، هم ازلحاظ ایمانی بسازید؛ هم فکر را درست کنید، هم ایمان و دل را درست کنید؛ با خدا اُنس داشته باشید؛ اگر میتوانید، تا آنجایی که میتوانید، نماز شب بخوانید.[1]

نماز شب دورکننده‌ی گناهان

«قال: قال الصّادق(علیه‌السّلام) فی قوله تعالی: «انّ الحسنات یذهبن السّیّئات»[2]»؛ خب، این دیگر آیه‌ی قرآن است و جای تردیدی نیست؛ پس اجمالاً معلوم میشود که حسناتی هست که سیّئات را از بین میبرد؛ نه اینکه همه‌ی حسنات این خصوصیّت را دارند که همه‌ی سیّئات را از بین ببرند! ظاهر کلام این است که طبیعتِ حسنات ـ [چون] این «الف» و «لام»، «الف» و «لام» استغراق نیست ـ طبیعتِ سیّئات را از بین میبرد؛ که این، تطبیق میکند با این که بعضی از حسنات، بعضی از سیّئات را از بین میبرند. خب، حالا کدام حسنات؟ اینجا حضرت تبصیر[3] کردند:

«قال: صلاة اللّیل تذهب بذنوب النّهار»[4]؛ وقتی شما نماز شب میخوانید، گناهانی را که در روز انجام داده‌اید، آنها را از بین میبرد؛ چه چیزی از این بهتر؟ اینکه اهل معنا و اهل معرفت و اهل سلوک، نماز شب را گنجینه و ذخیره‌ی تمام‌نشدنی‌ای میدانند، به‌خاطر این است. این حالا جنبه‌ی اخرویِ نماز شب است که گناهان را از بین میبرد؛ البتّه، گناهان آثار دنیوی

---

۱. خطاب به جوانان حاضردر دیدار با خانواده‌ی شهید بیلاقی ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

۲. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴

۳. روشن کردن، توضیح دادن

۴. امالی طوسی، مجلس یازدهم، ص ۲۹۴؛ «امام صادق(ع) بر اساس فرموده‌ی خدا که همانا خوبی‌ها ازبین‌برنده‌ی بدی‌ها است فرمود: نماز شب ازبین‌برنده‌ی گناهانی است که در روز مرتکب شده‌ایم.»

هم دارند، آثار اخروی هم دارند؛ وقتی گناهان را از بین میبرد، یعنی آثار سوءِ دنیویِ گناهان را هم از بین میبرد. ولی خب، ناظر به جنبه‌ی گناه است؛ یعنی جنبه‌ی امر اخروی، امر مربوط به آخرت. لکن درمورد مسائل دنیا هم همین‌جور است؛ در روایاتی دارد که موجب گشایش رزق میشود ـ که این امر دنیوی است ـ و فواید فراوان دیگری.

...ماها در روز، دائم مشغولیم دیگر؛ یعنی در واقع به یک معنا مشغول به کارهای دنیا؛ حالا بستگی به نیّتهای ما دارد. اشتغالات ما، نوع اشتغالات دنیایی است، ولو حالا کسی نیّتش خالص باشد، قصد خدا هم بکند ـ اگر خدا یک چنین قصدی به ماها بدهد ـ لکن مخاطِبات ما، مخاطباتِ دنیایی است؛ با مردم مواجهیم، با دنیا مواجهیم، با حوادث مواجهیم، فرصتی برای خالی گذاشتن وقت و خلوت کردن با خدا در روز واقعاً دست نمیدهد، امکان ندارد؛ مگر حالا آن کسانی که اهل نماز دائمند ـ خوشا آنان که دائم در نمازند ـ[1] که در همه‌ی حالات با خدا هستند. لکن به‌طور معمول ماها، امثال بنده در روز مشغولیم دیگر، ما وقتی نداریم که با خدا خلوت کنیم؛ سحر وقتِ خلوت با خدا است. این وقت را، این فرصت را غنیمت باید بشمریم؛ بخصوص شماها که جوان هستید، بخصوص جوانها؛ البتّه همه، لکن جوانها بیشتر شایستگی دارند چون تأثّرشان بیشتر است، بهتر است؛ همچنان که اگر ورزش بکنیم، شما که جوان هستید از ورزش سود بیشتری میبرید تا ما که در سنین بالا هستیم؛ این‌جوری است دیگر. اگر یک پیر همان ورزشی را بکند ـ و بتواند بکند ـ که یک جوان میکند، سودی که آن جوان میبرد خیلی بیشتر از سودی است که آن پیر میبرد؛ اگر غذای مقوّی‌ای شما بخورید یا یک پیرمرد مثل بنده توفیق پیدا کند بخورد، آن سودی که شما از این غذای مقوّی میبرید، بمراتب بیشتر

---

۱. «خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی»
(باباطاهر عریان همدانی، ۳۲۶ هـ‌ق)

است از آن [سودی] که یک پیرمرد [میبرد]. معنویّات هم همین‌جور است، تغذیه‌ی معنوی هم همین‌جور است: تلاوت قرآن، ذکر الهی، توجّه به خدا، استغاثه، استغفار، نماز و نماز شب.[1]

فضیلت نماز جعفر طیّار(علیه‌السّلام)

«لمّا قدم جعفربن ابی طالبٍ(علیه‌السّلام)»، [امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) فرمودند: وقتی جعفر(علیه‌السّلام)] از حبشه بعد از سالها که در هجرت حبشه بود ـ و چه خدمات و چه زحمات و چه سختی‌هایی در آنجا کشیده بود ـ در سال ششم، ظاهراً بعد از فتح خیبر برگشت، «تلقّاه رسول الله(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) و قبّل بین عینیه»؛ پیغمبر که به جعفر خیلی هم علاقه داشتند، با او ملاقات کردند و پیشانی او را بوسیدند. «فلمّا جلسنا [قال رسول الله:] الا اعطیک؟ الا امنحک؟ الا احبوک؟»؛ [وقتی] نشستیم، حضرت به‌عنوان تشویق جعفر فرمودند: چطور است یک چیزی به تو بدهم؛ چطور است یک تفضّلی به تو بکنم؛ چطور است یک هدیه‌ای به تو بدهم. خب حالا حضرت میخواهند به این پسرعموی عزیزِ مجاهدِ زحمت‌کش خودشان که سالها رفته در غربت زندگی کرده و اسلام را ترویج کرده و پادشاه آنجا را مسلمان کرده، یک چیزی بدهند؛ خب چه چیزی؟ حضرت دست کنند [در کیسه‌ای] مثلاً پنجاه سکّه‌ی بهار آزادی [بدهند] و بگویند این مال تو؟ «قال: بلی یا رسول الله»؛ [گفت:] خب بله، لطف کنید. او خوشحال شد که یک چیزی پیغمبر میخواهند به‌عنوان پاداش به او هدیه بدهند. «فقال(صلّی‌الله‌علیه‌وآله): تصلّی اربع رکعاتٍ تقرا فی کلّ رکعةٍ سورة الحمد و سورة»؛ [حضرت] نماز جعفر را به او یاد دادند. ببینید؛ ارزشها اینها است. ما شاخصها را خیلی اوقات گم میکنیم. [پیامبر فرمود:] چهار رکعت نماز میخوانی؛ یک سوره‌ای بعد از حمد بخوانی.

---

۱. .در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۷/۱۱/۲

در این روایت آن سوره‌ی «إذا زلزلت»[1] و سوره‌ی مبارکه‌ی «والعادیات ضبحا»[2] و سوره‌ی «إذا جاء نصرالله»[3] و «قل هوالله»[4] ندارد. اینکه به‌اصطلاح در مأثور هست که این چهار سوره را بخوانند، در اینجا نیست. «ثمّ تقول: سبحان الله و الحمد لله ولا اله الاّ الله والله اکبر؛ خمس عشرة مرّة»؛ پانزده مرتبه بعد از قرائت [این ذکر ـ سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الّاالله و الله‌اکبر ـ را میگویی]. «ثمّ ترکع فتقول هذا التّسبیح عشرا»؛ ده بار در رکوع [این تسبیح ـ سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الّاالله و الله‌اکبر ـ را میگویی]. «ثمّ ترفع رأسک فتقول عشر مرّات»؛ و ده بار بعد از اینکه از رکوع سر بلند کردی [این ذکر ـ سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الّاالله و الله‌اکبر ـ را میگویی]. «ثمّ تسجد فتقول عشراً ثمّ ترفع رأسک فتقول عشراً ثمّ تقوم الی الرّکعة الثّانیة فتفعل مثل ذلک، فذلک خمسٌ وسبعون مرّةً فی کلّ رکعة»؛ هر رکعتی ۷۵ مرتبه «سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الّاالله و الله‌اکبر». چهار رکعت است که در چهار رکعت، مجموعاً سیصد مرتبه میشود. «فان استطعت ان تصلّیها کلّ یومٍ فافعل»؛ اگر طاقت این را داری و وقتش را داری که هر روز بخوانی این را، بخوان. «فان لم تستطع ففی کلّ جمعة»؛ [اگر طاقت آن را نداری، پس در هر جمعه این را بخوان.] که دیده‌اید مرحوم حاج شیخ عبّاس در مفاتیح، نماز جعفر را جزو نمازهای روز جمعه ذکر میکنند که به‌طور خاص، مستحب است. «فان لم تستطع ففی کلّ شهرٍ فان لم تستطع ففی کلّ سنة»؛ [پس اگر طاقت آن را نداری، هر ماه به جا بیاور و اگر طاقت آن را هم نداری،] سالی یک بار اقلّاً نماز جعفر را بخوانید. «فان لم تستطع ففی عمرک مرّة»[5]؛ [اگر طاقت آن را نداری،] در طول عمرت، یک بار این را بخوان. این هدیه‌ی پیغمبر است.[6]

---

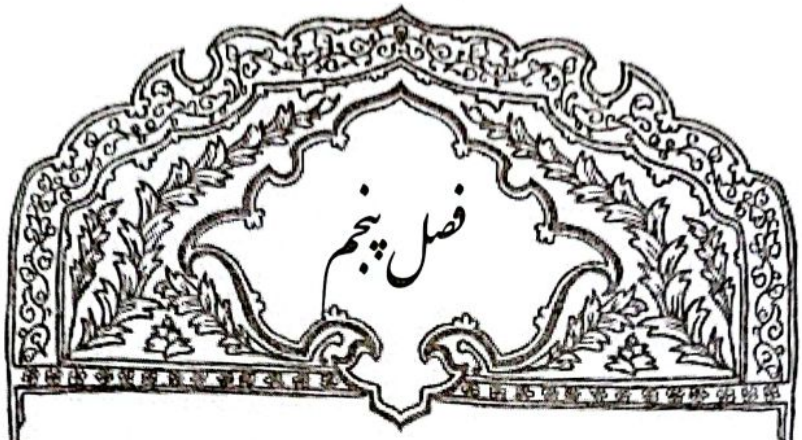
۱. سوره‌ی زلزال، بخشی از آیه‌ی ۱
۲. سوره‌ی عادیات، آیه‌ی ۱
۳. سوره‌ی نصر، بخشی از آیه‌ی ۱
۴. سوره‌ی اخلاص، بخشی از آیه‌ی ۱
۵. النوادر (للراوندی)، ج ۱، ص ۲۸
۶. نسیم سحر، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷

استفاده از فرصت ماه مبارک رمضان برای ادای نمازهای نافله

این نوافل ۳۴ رکعتی که برای نمازهای روز و شب وارد شده است، بسیار باارزش است. ماه رمضان فرصت خوبی است. ما غالباً اهل نوافل نیستیم. ولی ماه رمضان که میشود، چه مانعی دارد؟ کدام کار با دهان روزه، بهتر از نماز خواندن؟ چهار رکعت نماز ظهر است، قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله دارد؛ چهار دو رکعتی. چهار رکعت نماز عصر است و قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله‌ی نماز عصر است. این نوافل را بخوانید. همچنین نوافل مغرب را که از اینها مهم‌تر است؛ و نیز نوافل شب که یازده رکعت است. همچنین نافله‌ی صبح که دو رکعت است. کسانی هستند که در ایّام معمولی سال، برایشان مشکل است پیش از اذان صبح برای نماز شب بیدار شوند؛ ولی در این شبها، به‌طور قهری و طبیعی بیدار میشوند. این یک توفیق الهی است؛ چرا از این توفیق استفاده نکنیم؟ ان‌شاءالله فرصتهای ماه رمضان را مغتنم بشمارید.[1]

---

۱. در روز اوّل ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴



ستون خیمه ی دین

(رسالت مؤمنان در اقامه ی فرهنگ نماز)

اقامه‌ی نماز؛ نشانه‌ی مؤمنان

[نشانه‌ی] مؤمنان، اقامه‌ی نماز است: «ویقیمون الصّلاة»[۱]. آیه از تعبیر «یقیمون»، به معنای اقامه و به‌پا داشتن، استفاده کرده که متفاوت از تعبیر «یُصَلّون»، به معنای نماز گزاردن است. شاید دلیلِ استفاده از این تعبیر یکی از این جهات باشد: نخست آنکه اقامه‌ی نماز، به معنای به‌جا آوردن نماز به‌صورتی است که باید باشد؛ یعنی مؤمنان نماز را «علی وجهها» به جا می‌آوردند، وَالّا منافق هم نماز میخوانَد و گاهی ظاهر نمازِ منافق از مؤمن هم، بهتر است و با خضوع نماز میخوانَد، امّا روح و مغز ندارد.

جهت دیگر این است؛ مراد از «ویقیمون الصّلاة» به‌جا آوردن نماز در اجتماع باشد؛ یعنی نه فقط خودشان نماز میخوانند، بلکه اجتماع را به نماز وامیدارند و سعی میکنند همه‌ی مردم به نماز رو آورند.[۲]

معنای حقیقی به‌پا داشتن نماز

به‌پا داشتن نماز غیر از گزاردن نماز است و متأسّفانه در بعضی از ترجمه‌ها مشاهده میشود مینویسند: «و نماز میگزارند.»، درحالی‌که نماز

۱. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۳

۲. تفسیر سوره‌ی برائت، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۴۸۷

گزاردن در عربی میشود «یصلّون» و «یقیمون الصلاة» یعنی نماز را به پا میدارند؛ پس به‌پا داشتن نماز چیزی بیش از گزاردن نماز است، که البتّه نماز گزاردن را هم شامل میشود؛ یعنی اگر شما بخواهید جزو نماز به‌پادارندگان باشید نمیتوانید نماز گزاردن را ترک کنید. به‌پا داشتن نماز، یعنی در محیط و در جامعه این واجب و این حقیقت لطیف را به‌وجود آوردن و محیط را محیط نماز کردن و دیگری را به نماز دعوت کردن و نماز را با توجّه ادا کردن، و مفاهیم نماز را در زندگی تحقّق بخشیدن است.[۱]

اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی به‌وسیله‌ی نماز

برای حرکت در این میدان آنچه که بیش از همه لازم است، دو چیز است: یکی انگیزه، آن نیروی درونی که انسان را حرکت بدهد و راه ببرد؛ دیگر، آن قطب‌نمایی که انسان، آن ستاره‌ی راهنما را فراموش نکند و جهتش کج نشود. اگر انگیزه نبود، انسان وسط راه میماند؛ مشکلات زیاد است. اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی، اقامه‌ی عدل در میان بشر، برپا کردن خیمه‌ی حق در بین این‌همه طوفانهای اهوای باطل، کار آسانی نیست؛ انگیزه لازم است. این انگیزه عبارت است از توجّه به خدا؛ «ذکر الله»؛ مدد گرفتن از پروردگار، کار را با حساب خدا انجام دادن؛ و آن قبله‌نما هم عبارت است از توجّه به هدف کار و اینکه ما مقصودمان قدرت نیست، ثروت نیست، هواپرستی نیست، تمنّیات شخصی نیست، ملاحظات گوناگون سیاسی نیست؛ بلکه هدفمان خدا است. این دو تا خصوصیّت، این دو عامل مهم، یعنی انگیزه و جهت‌گیری، در نماز خلاصه شده.[۲]

---

۱. در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره ۱۳۷۰/۷/۲۴

۲. در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷

رسیدن به جامعه‌ی آرمانی با قرار گرفتن نماز در جایگاه خود

اهمّیّت نماز را باید به‌درستی فهمید. اینکه فرموده‌اند اگر نماز در درگاه خداوند، مقبول افتد، دیگر خدمات و زحمات نیز پذیرفته شده و اگر نماز مردود باشد، هرچه جز آن نیز مردود گشته است، حقیقتی بزرگ را به ما مینمایاند. آن حقیقت این است که اگر در جامعه‌ی اسلامی نماز در جایگاه شایسته‌ی خود قرار گیرد، همه‌ی تلاشهای سازنده‌ی مادّی و معنوی، راه خود را به سمت و سوی آرمانها میگشاید و جامعه را به نقطه‌ی مطلوب آرمانی اسلام میرساند و اگر از اهمّیّت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنائی قرار گیرد، این مسیر به‌درستی طی نخواهد شد و تلاشها و مجاهدتها تأثیر لازم را در رساندن به قلّه‌ای که اسلام برای جامعه‌ی بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت.

این حقیقت به همه‌ی ما هشدار میدهد و وظیفه‌ای سنگین را به یاد ما می‌آورد. تلاشهای فرهنگی و هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و غیره، همه باید به‌گونه‌ای طرّاحی و اجرا شود که نماز، با کیفیّت مطلوب، روزبه‌روز در میان مردم بویژه جوانان و نوجوانان رونق گیرد و همه به‌راستی از این چشمه‌ی پاکی و روشنی بهره‌مند گردند. بی‌شک دستگاه‌های متعدّد امور فرهنگی و آموزشی و صداوسیما و دست‌اندرکاران اداره‌ی مساجد، بیش از دیگران باید احساس مسئولیّت کنند.[1]

اقامه‌ی نماز در کشور اسلامی از واجب‌ترین فرایض

اقامه‌ی نماز در کشوری که پرچم اسلام را برفراز سر خویش برافراشته و به حاکمیّت اسلام مفتخر گردیده، یکی از واجب‌ترین فرایض است؛ زیرا همه‌ی هدفهای یک جامعه‌ی نیک‌بخت، از قبیل تأمین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادّی، پرورش استعدادها و خلّاقیّتها

۱. پیام به بیست‌ویکمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۱/۶/۱۵

در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزّت و استقلال و اقتدار ملّی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدفهای والا، در صورتی تأمین میشود که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم بویژه در کارگزاران امور کشور، تأمین شود و انسانهایی پاک و برخوردار از همّت و توکّل و اخلاص و صبر و سخت‌کوشی در آن جامعه باشند که به یاری این پشتوانه‌ی روحی، توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و بویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند. هرچه شمار این‌گونه انسانها در جامعه و کشوری بیشتر باشد، افق آینده‌ی آن جامعه و آن کشور، روشن‌تر و حرکت به‌سوی نیک‌بختی در آن جامعه و آن کشور، ممکن‌تر و آسان‌تر خواهد بود.[1]

وظیفه‌ی آحاد جامعه در اقامه‌ی نماز

اینک نماز، موهبتی بی‌بدیل و سرچشمه‌ی فیضی لایزال، در اختیار ما است که با آن، نخست از خویش و سپس از هر آن که بدو مهر می‌ورزیم، انسان صالح بسازیم. این دروازه‌ای است گشاده به عرصه‌ای پهناور و مصفّا. دریغ است که آدمی عمری را در جوار بهشت مصفّایی بگذراند و سری بدان نکشد و عزیزان خود را بدان سوق ندهد. وحی الهی به پیامبر عظیم‌الشّأن (صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) چنین فرمان داد: «وأمر اهلک بالصلاة واصطبر علیها»[2]. امروز همه‌ی شما خود را طرف این خطاب بشمرید و نماز را، حقیقت مقدّس و گوهر درخشان را که عطیّه‌ی الهی به امّت محمّد مصطفی (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) است، قدر بشناسید. در این وظیفه هرکسی سهم ویژه‌ای دارد: پدران و مادران با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند.

---

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

۲. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۳۲، ترجمه: «و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.»

معلّمان، شاگردان مدارس و دانشگاه‌ها را در سمت و سوی این حقیقت درخشان به حرکت وادار نمایند. فضلا و علما و روحانیون محترم، امامت جماعت در مراکز آموزشی و اقامتگاه‌های دانشجویان، برای نسل نو را فرصتی مغتنم بشمرند. نویسندگانِ کتابهای درسی، رازها و رمزها و درسهای نماز را در کتابهای درسی بگنجانند. وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و صداوسیما از هنر بویژه هنر سینما برای نشان دادن گوهر نماز و چهره‌ی نمازگزار بهره بگیرند. هنرمندان عزیز با زبان شعر و قصّه و نقّاشی و جز اینها، و با آفرینش آثار هنریِ باکیفیّت، بلکه برجسته، دست چیره‌ی هنر را به کاری چنین شایسته مشغول سازند. در مدارس، معلّمان و مدیران، و در همه‌ی مراکز، مسئولان، با حضور خود در صفوف نماز، نمازگزاران را تشویق کنند. در گردهمایی‌های علمی و فرهنگی و آموزشی و تبلیغی، نماز را در وقت خود همچون الهام‌بخش صداقت و هدایت به جای آورند. نویسندگان و گویندگان دینی درباره‌ی نماز و مفهوم و فلسفه و هدف و آثار و برکات و احکام آن بگویند و بنویسند. مردم، مساجد را با حضور در نمازهای جماعت که بهترین شیوه‌ی نماز گزاردن است، رونق بخشند. در همه‌ی بناهای عمومی و جاهایی که همواره به طبع حال، مردمی در آن گرد می‌آیند، مانند فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار و بندرها و عزیمت‌گاه‌های خودروهای همگانی و ادارات دولتی و بوستانهای شهری و مانند اینها، نمازخانه‌ها یا مساجدی بنا کنند و افزون بر این، مردم، هر زمین پاکیزه و مناسبی را به هنگام درآمدن وقت نماز، مسجد به‌شمار آورند و در آن به نماز بایستند.

از این‌گونه کار برای هر کسی و قشری از مردم هست، که هرکس باید کنکاش کند و سهم خود از این فریضه‌ی همگانی را بیابد و بدان دست زند. در چنین وضعی است که جامعه‌ی اسلامی ما، توانسته است نماز را اقامه

کند و مصداق این آیه‌ی کریمه گردد که: «الّذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصلاة وآتوا الزکوة وامروا بالمعروف ونهوا عن المنکر ولله عاقبة الامور»[۱].[۲]

دعوت به نماز، دعوت به زیباترین جلوه‌های زندگی

دعوت به نماز، دعوت به زیباترین جلوه‌های زندگی است، زیرا نماز، فصلی از زندگی است که در آن انسان در برابر آفریننده و دارنده‌ی همه‌ی نیکی‌ها و زیبایی‌ها، به عرض نیازی عاشقانه میپردازد و بر عیار زیبایی و نیکی روان و دل خویش می‌افزاید. این حجم عظیم و زبان مؤثّرِ توصیه به ذکر و نماز در قرآن و حدیث، نشانه‌ی همین ویژگی در دعوت به نماز است. بندگان صالح و نیکوکار خداوند باید این را درسی برای خود بدانند و به نماز دعوت کنند. مسئولان مؤمن در نظام اسلامی باید امکانات گسترده‌ی خود را در خدمت این دعوت بگذارند. روحانی، معلّم، مربّی، مدیر و مسئول در همه‌جا مخاطبان و دایره‌ی نفوذ خود را به این سو بکشانند و از آنان دعوت‌کننده به خدا و نماز بسازند.[۳]

اهداف بلندمدّت، میان‌مدّت و کوتاه‌مدّت اقامه‌ی نماز

هدف بلندمدّت اقامه‌ی نماز در جامعه، صلاح و فلاح همگانی است، لیکن تا رسیدن به آن مقصود والا، هدف میان‌مدّت، برافروختن چراغ نماز در همه‌ی خانه‌ها و در خانه‌ی دلها است؛ و هدف کوتاه‌مدّت، به‌کارگیری همه‌ی ظرفیّت علمی و هنری و تبلیغی کشور در این راه و سمت و سودادن به همه‌ی آن‌گونه تلاشها در این جهت است. همچنان که برای گزاردن نماز

---

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده وامیدارند و از کارهای ناپسند بازمیدارند و فرجام همه‌ی کارها از آن خدا است.»

۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۲/۶/۱۶

۳. پیام به بیست‌وششمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۶/۹/۳۰

باید قبله را شناخت و به آن روی آورد، برای لبریز کردن فضای دنیا و دنیای دلها از عطر و جلوه و روح نماز هم قبله‌ای وجود دارد که باید آن را یافت و بدان روی کرد. این قبله همان هدفهای والا و نهایی نماز است و روی کردن به آن، پیمودن راه‌هایی است که بدان منتهی میشود، و این راه‌ها در قالب هدفهای کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت، تعریف‌شدنی است.[1]

لزوم شنیده شدن صدای اذان در سراسر شهر

چرا باید در این شهر با این عظمت، بااین‌همه هیاهوهای گوناگون از اطراف و اکناف، نغمه‌ی اذان در همه‌جای شهر شنیده نشود؟! اذان، علامت مسلمانی است. چه کسی گفته باید در پشت‌بام مساجد یا در مساجد بزرگ و عمده، حتّی در سحرها ـ ظهر و شب که جای خود را دارد ـ از طریق بلندگو اذان نگویند؟ وقت اذان که میشود، باید تهران یکسره صدای اذان باشد. مگر اینجا قبّة‌الاسلام نیست؟ مگر ما این حرف را نمیگوییم؟ اینکه ظهر بشود، از ظهر یک ساعت هم بگذرد، کسی در خیابان راه برود، امّا احساس نکند که ظهر شده است، آیا این قضیّه با آن ادّعا میسازد؟![2]

ضرورت پخش صدای اذان از مساجد

چندی پیش، من راجع به اذان سفارش کردم و البتّه گفتم که صبحها با بلندگو در همه‌جا اذان نگویند، تا مردم از خواب بیدار نشوند. مثل اینکه بعضی از مؤمنین، این قسمت دوّمش را بیشتر از قسمت اوّل گوش کردند! آنچه که مقصود ما بود، این بود که در سحرها، هرجایی یک بلندگو صدا نکند؛ ولی معنایش این نبود که به هنگام سحر، صدای اذان در شهری

---

۱. پیام به‌مناسبت برگزاری سیزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۲/۶/۱۴

۲. در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمّه‌ی جماعات و وعّاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۰/۱۲/۱۴

مثل تهران به گوش نرسد! نه، در جایی مثل تهران، اقلاً در چند مسجد از مساجد مهم، خوب است که با بلندگو اذان پخش بشود؛ حتّی اذان صبح. در شهرهای کوچک هم به فراخور وسعت آن شهر، می‌بایست اذان صبح در چند جا پخش بشود. امّا در ظهر و شب اذان بگویند؛ هم اذان بلندگو، هم جلوی مساجد، هم داخل مساجد و هم در خیابانها، تا مردم به اذان گفتن عادت کنند.[۱]

برپا داشتن نماز؛ نخستین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان

تشکیل مجمعی از صاحب‌نظران برای اقامه‌ی نماز، یکی از شایسته‌ترین و ضروری‌ترین کارهایی است که باید در جمهوری اسلامی صورت میگرفت؛ زیرا برپا داشتن نماز، نخستین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان است؛ و در رتبه‌ی بعد از آن است که نوبت به «زکات» به مثابه‌ی تنظیم مالی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر، و نیز «امر به معروف و نهی از منکر» یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها میرسد؛ «الّذین إن مکّناهم في الأرض أقاموا الصّلاة وآتوا الزّکاة وأمروا بالمعروف ونهوا عن المنکر»[۲].

اقامه‌ی نماز فقط این نیست که صالحان، خود نماز بگزارند؛ این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی متوقّف باشد؛ بلکه باید این ستون دین در جامعه به پا داشته شود و همه‌کس با رازها و اشاره‌های آن آشنا، و از برکات آن برخوردار گردند. درخشش معنویّت و صفای ذکر الهی، همه‌ی آفاق جامعه را روشن و مصفّا کند و تن‌ها و جانها باهم به نماز بشتابند و در پناه آن، طمأنینه و استحکام یابند.[۳]

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

۲. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده وامیدارند و از کارهای ناپسند بازمیدارند.»

۳. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵

مسئولیّت ترویج نماز برعهده‌ی آشنایان با معارف اسلامی

حقیقت آن است که در کار معرّفی نماز کوتاهی‌های زیادی شده است؛ و نتیجه آنکه نماز هنوز جایگاه شایسته‌ی خود را، حتّی در نظام اسلامی ما به دست نیاورده است. این مسئولیّت سنگین، بر دوش دانشوران و آشنایان به معارف اسلامی است که نماز را به همه، بخصوص به نسل جوان بهتر بشناسانند. از کودک دبستانی تا پژوهشگر دوره‌های عالی، هریک فراخور ذهن و معرفت خود، میتوانند در راه شناختن نماز و رازهای آن، قدمهایی بردارند و با ناشناخته‌هایی آشنا شوند. حتّی عرفای بزرگ نیز برای سالکان وادی معرفت، «اسرار الصلاة» نوشته و آموخته‌اند؛ یعنی اعماق این اقیانوس، همچنان ناشناخته و پیمودنی است.[1]

رسالت صداوسیما و دیگر رسانه‌ها در ترویج فرهنگ نماز

در جامعه‌ی ما فصل مهمّی باید در معرّفی نماز در همه‌ی سطوح گشوده شود. رسانه‌ها و بخصوص صداوسیما، با شیوه‌های گوناگون، نماز را معرّفی و یادآوری کنند. همه‌جا و همیشه در رادیو و تلویزیون، نماز در اولویّت گذاشته شود و شوق ایمان و عطش یاد خدا در دلها پدید آید.[2]

نمایش نماز جماعت مهجوری با جمع معدودی آن‌هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست؛ همچنان که پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوانهای ما هزاران صف جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل میدهند؛ مردم زیادی از آنان که فیلمهای سینمایی در گزارش واقعیّتهای زندگی آنان ساخته میشود، اهل نماز و نیاز و تهجّدند؛ حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و تعبّد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند میکنند؛ گروه‌های انبوهی

۱. پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس ۱۳۷۰/۷/۱۵
۲. همان

در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده به مسجد رو می‌آورند؛ اینها میتواند در ساختهای هنری، چهره‌ی زیبا و ترغیب‌کننده‌ی این فریضه‌ی نجات‌بخش را به همه نشان دهد.[۱]

در این نمایشهایی که داده میشود ـ در سریالها و اینها ـ گاهی اوقات این محاوره‌ای که در این فیلم هست، یک کلمه‌اش یک تأثیر بزرگ در مقابل میگذارد؛ گاهی یک کلمه. یک جمله ممکن است که یک جمع زیادی جوان را نمازخوان کند؛ هیچ لزومی ندارد ما وضو گرفتن و نماز خواندن یکی را حتماً نشان بدهیم برای اینکه مردم را به نماز خواندن تشویق کنیم. گاهی اوقات اگر چنانچه شما بتوانید هنرمندانه یک جمله را در همین محاورات ـ به قول شما دیالوگها ـ بگنجانید، ای‌بسا یک جمله افراد را گرایش به نماز بدهد.[۲]

ضرورت در نظرگرفتن پیوست مسجد و نمازخانه برای تمام طرحهای بزرگ مهندسی در کشور

همه‌ی کارهای مهندسی بزرگ بایستی یک پیوست مسجد و نمازخانه داشته باشد. وقتی مترو طرّاحی میکنیم، برای ایستگاه مترو، مسجد در آن ملاحظه شود؛ ایستگاه قطار طرّاحی میکنیم، فرودگاه طرّاحی میکنیم، مسجد در آن حتماً دیده شود. شهرک طرّاحی میکنیم، مسجد در مراکز لازم که ممکن است بیش از یکی لازم باشد، در او حتماً ملاحظه شود. آیا ممکن است ما یک شهرک را طرّاحی کنیم، خیابان‌کشیِ او را فراموش کنیم؟ میشود شهرکِ بدون خیابان؟ با این چشم باید به مسجد نگاه کرد. شهرک بدون مسجد معنی ندارد. وقتی انبوه‌سازان ساختمان میخواهند مجوّز بگیرند برای انبوه‌سازی و ساختمان بسازند، در نقشه‌ای که ارائه میدهند که

۱. پیام به اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۰/۶/۱۵

۲. در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما ۱۳۹۷/۸/۲۴

مجوّز براساس او صادر میشود، باید نمازخانه دیده شود. ما باید با نمازخانه این‌جوری برخورد کنیم.[1]

ضرورت رعایت اوقات و امکانات اقامه‌ی نماز در پرواز هواپیماها و حرکت قطارها

در پروازهای گوناگون ـ داخلی، خارجی، دوردست ـ که وقت نماز را پوشش میدهد، حتماً رعایت مسئله‌ی نماز بشود. اگر امکان دارد قبل از پرواز و بعد از پرواز، وقت نماز وجود داشته باشد؛ این‌جور نباشد که مثلاً فرض بفرمایید از قبل از اذان صبح راه بیفتند و بعد از آفتاب به مقصد برسند؛ نه، برنامه را جوری تنظیم کنند که مردم بتوانند نمازشان را بخوانند؛ یا قبل، یا بعد. اگر امکان ندارد ـ گاهی ضرورتهایی ازلحاظ پروازهای داخلی، خارجی، خطوط هوایی، پیدا میشود که امکان ندارد ـ در داخل هواپیما امکانات نماز خواندن را فراهم کنند که البتّه کاملاً میشود قبله را تشخیص داد؛ یعنی خلبانها واردند، میفهمند، میدانند؛ تا افرادی که مایلند در داخل هواپیما نماز بخوانند، بتوانند. البتّه مسئله‌ی حرکت قطارها هم به‌طریق‌اولی این‌جور است.

امروز در کشور ما این جهات قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. شماها اغلب قبل از انقلاب را یادتان نیست. عجیب بود! هم اینجا، هم بعضی جاهای دیگر. ما عراق رفته بودیم، یک سفر عتبات مشرّف شدیم، هرکار کردیم برای نماز صبح، توقّف نکرد؛ یعنی اصلاً نمیشد؛ جوری تنظیم کرده بودند که نمیشد. و بنده مجبور شدم از اواخر قطار، که نزدیک ایستگاه یا اوایل ایستگاه بود، خودم را از پنجره بیندازم بیرون که بتوانم نماز بخوانم؛

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

چون در داخل قطار کثیف بود و نمیشد نماز خواند. به‌هرحال، این چیزها هیچ رعایت نمیشد. حالا خیلی تفاوت کرده؛ منتها بیش از اینها انتظار هست. اهمّیّت نماز باید معلوم باشد.[1]

مقایسه‌ی اقامه‌ی نماز در دو دوره‌ی قبل و پس از انقلاب

امروز در جمهوری اسلامی اقامه‌ی نماز قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. قبل از انقلاب نماز خواندن یک عیب بود و در همین مسجد دانشگاه تهران یک عدّه‌ی بسیار محدودی میرفتند نماز میخواندند، به‌طوری‌که من یک‌وقتی کار داشتم و رفته بودم آنجا دنبال کسی مسجد خلوت بود و هیچ‌کس سراغ مسجد نمیرفت مگر یک چند نفر معدودی از چند هزار دانشجو.

در محیط نماز خواندن، مخصوصاً در بعضی از محیط‌ها اگر جایی انسان گیر می‌افتاد و میخواست نماز بخواند همه تماشا میکردند و مایه‌ی تعجّب بود. در آن زمان اگر میخواستند از یک جوانی تعریف کنند، میگفتند این جوان خیلی خوب است و نمازخوان است؛ نمازخوان یعنی خیلی خوب. نمازخوان یک نوع مقدّس‌مآبی به‌حساب می‌آمد؛ تازه همان آدم هم یک‌وقتی اگر کاری داشت و جلسه‌ای داشت، یا درسی داشت، یا قرار شیرین خوبی داشت، نماز را خیلی راحت ترک میکرد؛ امّا امروز آن‌طور نیست. امروز جوانهای ما در دانشگاه و در غیر دانشگاه دنبال نماز و علاقه‌مند به نماز و مقیّد به نماز هستند؛ لکن این کافی نیست، و لذا در محیطتان باید کاری بکنید که نماز رواج پیدا کند.[2]

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۲. در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره ۱۳۷۰/۷/۲۴

شاخصهای اقامه‌ی نماز

نشانه‌ها و شاخصهایی هست که هرگاه و هرجا دیده میشوند میتوان گفت: حقّ نماز، گزارده شده است.

۱-همگانی شدن نماز

نخست همگانی شدن نماز است. ناسپاسی بزرگی است که کسی در محیط اسلامی به سربرد و نماز را که برترین وظیفه‌ی هر مسلمان است، به جا نیاورد. چنین کسی نزد خدا و نزد بندگان خدا روسیاه و در حقّ خود، مقصّر است، چرا که خویش را از برکات نماز محروم ساخته و درباره‌ی نماز کوتاهی کرده است. آنگاه که در جامعه‌ی اسلامی همگان از پیر و جوان و نوجوان و در هر موقعیّت اجتماعی یا خانوادگی، و در همه‌ی شرایط زمانی و مکانی و جوّی، و در آسایش و در رنج و شادی و غم، نماز را چون پایه‌ی دین و بخشی از زندگی یک مسلمان، به جای آوردند و به هیچ بهانه، عمداً آن را ترک نکردند، مهم‌ترین نشانه‌ی حق‌گزاری نماز آشکار شده است.

۲- نیکو به جای آوردن نماز

نشانه‌ی دیگر، نیکو به جای آوردن نماز است؛ یعنی با توجّه به معنی و مفهوم کلمات نماز و همراه با خشوع و حضور. و این روح نماز است که بدون آن، نماز کالبدی است بی‌جان، و اگرچه ساقط‌کننده‌ی اقلّ تکلیف، ولی نه برآورنده‌ی همه‌ی هدفها و مقاصد تشریع؛ این یک. البتّه نیازمند آموزش و نیز تمرین است و اگر به کمک الهی، تأمین شود، عمق روحیّه‌ی دینی و برکات فراوان ایمان و عمل را با خود تأمین خواهد کرد.

۳- رونق مساجد و افزایش نمازهای جماعت

نشانه‌ی دیگر، آبادی مساجد و افزایش نمازهای جماعت است، و این

به معنای بروز برکات نماز در سطح همکاری و همدلی اجتماعی است. بی‌شک این فریضه نیز با همه‌ی اتّکالش به عامل درونی، یعنی توجّه و ذکر و حضور، همچون دیگر واجبات دینی، ناظر به همه‌ی عرصه‌ی زندگی انسان است و نه به بخشی از آن یعنی زندگی فردی و شخصی هرکس. و آنجا که پای فعّالیّت و نشاط دسته‌جمعی افراد جامعه به میان می‌آید، نماز همچون گرم‌ترین و پرشورترین عبادت دسته‌جمعی، نقش بزرگی را برعهده میگیرد. مظهر این خصوصیّت، همین نمازهای جماعت پنج‌گانه و نماز جمعه و نمازهای عید است.

۴- طرح مسئله‌ی نماز در عرصه‌ی مطالعات و تحقیقات علمی

نشانه‌ی دیگر، مطرح شدن نماز در عرصه‌ی مطالعات و تحقیقات علمی است؛ همان‌طور که بحث فقهی درباره‌ی نماز و مقدّمات آن، طولانی‌ترین مباحث فقهی در حوزه‌های علمیّه را تشکیل میدهد، بحث کلامی، عرفانی و اجتماعی نماز نیز باید سلسله‌ی مهمّی از مباحث دینی مطرح در سطح جامعه را پدید آورد. آگاهان دینی و محقّقان و نویسندگان دراین‌باره مقالات و تحقیقات و کتابهایی فراهم کنند و بحث نماز به‌طور مکرّر در همه‌ی جایگاه‌های تبلیغ دین، با زبانها و شیوه‌ها و از زاویه‌های گوناگون مطرح گردد. در کتابهای درسی دوره‌های مختلف، به‌تناسب، فصل فشرده یا گسترده ولی به‌هرحال، عمیق و متینی درباره‌ی نماز گنجانیده شود.

۵- بیان درسهای نماز در برنامه‌های صداوسیما

در صداوسیما نماز همچون موضوعی که باید به همه آموخت، تلقّی گردد و در برنامه‌ای جداگانه یا در دل برنامه‌های گوناگون، از آن سخن رود و

اعماق و رازها و درسهای آن برای همه‌ی مردم بیان گردد. در سخنرانی‌های دینی در مساجد و غیره بارها و بارها معارف نماز نیز همچون مسائل آن بازگو شود.

۶-احداث نمازخانه‌ی مناسب در اماکن عمومی و دولتی

نشانه‌ی دیگر آن است که در همه‌ی جاها و ساختمانهای عمومی و دولتی، نمازخانه‌ای درخور دیده شود و نماز گزاردن در همه‌جا برای همه، کاری در دسترس به‌شمار آید.

۷-حضور افراد شاخص و بزرگان جامعه در نمازخانه‌ها

نشانه‌ی دیگر آن است که بزرگان جامعه و کسانی که چشمها به آنها دوخته شده و انگشتها آنها را نشانه کرده است، در مراکز همگانی نماز دیده شوند و نمازخانه‌های مراکز عمومی، ویژه‌ی آدمهای بیکار یا فرودست شمرده نشود و نشانه‌های دیگری که با تدبّر میتوان بدانها دست یافت. هرگاه این نشانه‌ها همه در جامعه‌ای پدید آید، بحق باید گفت که حقّ نماز در آن جامعه ادا شده است، و هرچه این نشانه‌ها بیشتر باشد گرایش به حق‌گزاری نماز بیشتر است.[1]

توصیه‌های راهگشا برای اقامه‌ی نماز

۱. برای تبیین ژرفای نماز و معرّفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پیگیر و همه‌جانبه‌ای زده شود. در کتابهای معارف دانشگاه‌ها و کتب درسی دوره‌های پیش از دانشگاه و جزوه‌های کوچک و قابل‌فهم همه،

---

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز در شیراز ۱۳۷۳/۶/۱۰

سخنان نغز و پرمغز و مضمونهای تازه‌ی فراوان دراین‌باره وارد شود.[۱] آشنایان با معارف اسلامی، شأن نماز و روح و محتوا و گستره‌ی تأثیر آن در جان فرد و مجتمع را با شیوه‌های رسا تبیین کنند، و بویژه هنرمندان برای این مقصود از ابزار کارآمدِ هنر بهره بگیرند.

۲. پدر و مادرها، کودکان و نوجوانان را با صورت و معنای این فریضه آشنا سازند و اگر باید از دیگران کمک گرفت، کتابهای شیرین و آسان‌فهم را برای کودکان خود بخوانند.

۳. معلّمان مدارس در هنگام نماز، نوجوانان پسر و دختر را به حضور در نمازخانه‌های مدارس تشویق کنند و خود پیش از همه به نماز بشتابند.

۴. مسئولان پرورشی مدارس، نماز را در رأس برنامه‌های پرورشی به‌شمار آورند.

۵. مسئولان ورزش کشور، محیط ورزش را با یادآوری و اقامه‌ی نماز روح بخشند و در تعیین وقت مسابقات ورزشی، ساعت نماز را فارغ و زمین و زمان را آماده‌ی برگزاری نماز کنند.

۶. برنامه‌ریزان حرکت رسانه‌های سفری مانند قطار و هواپیما و غیر آن، حفظ وقت و امکان نماز مسافران را در برنامه‌ریزی‌ها در نظر بگیرند.[۲]

۷. مساجد، به شکل شایسته غبارروبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.[۳] ائمّه‌ی محترم جماعات، مساجد را از همیشه فعّال‌تر کنند و آموزش ترجمه و مفهوم و روح نماز را به شکل نوین و جذّاب، در برنامه‌های خود بگنجانند.[۴]

۸. نماز صبح در مساجد اقامه شود.

۹. احکام فقهی نماز به‌صورت آسان و روان منتشر شود، و جزوه‌ها و

---

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

۲. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

۳. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

۴. پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۷۶/۷/۷

نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملّتهای دیگر، آماده گردد.

۱۰. اذان از حنجره‌ی اشخاص خوش‌صدا در همه‌جا پخش شود و هیچ شهر و محلّه‌ای محروم از آهنگ اذان نماند.

۱۱. نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزانگان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پربارتر گردد.

۱۲. مدیران دستگاه‌های اداری و دولتی، خود متصدّی اقامه‌ی نماز در آن دستگاه‌ها شوند.

۱۳. در سربازخانه‌ها آموزش نماز و عمل به آن، از آنچه هست، جدّی‌تر گرفته شود.

۱۴. در میان جادّه‌های بیابانی، مسجد به‌قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سرراه در همه‌ی ۲۴ ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد.

۱۵. در شهرها و شهرکهایی که تازه ساخته میشود، مسجد جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر قرار گرفته و ساخته شود.

۱۶. در همه‌ی اجتماعات با فرارسیدن وقت نماز، نماز به پا داشته شود و اجتماعاتی که به‌خاطر انبوهی آن یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه‌ی زمان‌بندی آنها جوری تنظیم شود که با وقت نماز تصادف پیدا نکند.[1]

۱۷. چه نیکو است که از همه‌ی شهرهایی که در آن حوزه‌ی علمیّه و طلّاب علوم دینی حضور دارند، در همه‌ی شبهای جمعه گروه‌هایی به روستاها اعزام شوند. شعار اوّلِ این پیام‌رسانانِ دین و معنویّت، باید اقامه‌ی نماز باشد.[2] و به‌طور خلاصه وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هرکس که تازه وارد آن میشود، آن را محیط اهتمام به نماز و جایگاه

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

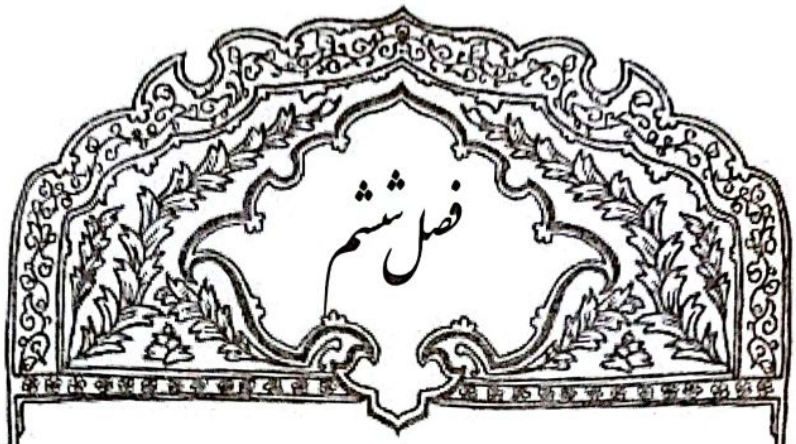
۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۷/۶/۱۸

اقامه‌ی آن بداند.[1]

۱۸. علمای دینی و فضلایی که در بخشهای گوناگونِ دولتی به خدماتی اشتغال دارند، شایسته است که به عمران معنویِ مساجدی که در آنها نماز جماعت اقامه نمیشود، بپردازند؛ امامت در مسجد را نیز وظیفه‌ای بزرگ بشمرند.[2]

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالانه‌ی نماز در شهر زنجان ۱۳۷۵/۶/۳۱

۲. پیام به اجلاس نماز ۱۳۷۷/۶/۱۸



قرارگاه مؤمنان

(جایگاه و فضیلت نماز جمعه و جماعت)

نماز جمعه

جایگاه نماز جمعه در روایات اهل بیت(علیهم‌السلام)

اسلام برای نماز جمعه، خیلی اهمّیّت قائل است... از قول پیامبر خدا(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده که فرمود: «من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فعلیه بالجمعة یوم الجمعة»[1]؛ یعنی هرکس که ایمان دارد، در روز جمعه نباید نماز جمعه را فراموش کند.

از امام باقر(علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود: «والله لقد بلغنی انّ اصحاب النّبی(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) کانوا یتجهّزون للجمعة یوم الخمیس»[2]؛ یعنی اصحاب پیامبر، در روز پنجشنبه خودشان را برای فردا آماده میکردند، تا به نماز جمعه بروند. در یک روایت دیگر دارد که امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) فرمودند: روز پنجشنبه دارویی نخورید که شما را در بستر بیندازد، تا مبادا نماز جمعه‌ی فردا از دستتان برود.

درباره‌ی احترام به نماز جمعه، از امام صادق(علیه‌الصّلاة‌والسّلام) روایت است: «لیتزیّن احدکم یوم الجمعة»[3]، روز جمعه، خود را زینت کنید. «یغتسل ویتطیّب و

۱. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۱۲۶
۲. الاصول من الکافی، ج ۳، ص ۴۱۵
۳. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۲

یسرّح لحیته»[۱]؛ غسل کنید، عطر بزنید و سر و صورت خود را مرتّب نمایید. «یلبس انظف ثیابه»[۲]؛ تمیزترین لباسهایتان را بپوشید و به نماز جمعه بروید.

در روایت دیگر دارد که ملائکه‌ی الهی می‌ایستند و می‌بینند که چه کسی زودتر وارد مصلّی شد و همین‌طور مینویسند: نفر اوّل، نفر دوّم، نفر سوّم، نفر پنجم، نفر صدم؛ تا وقتی‌که امام‌جمعه بلند میشود خطبه را بخواند. یعنی هرچه میتوانید، زودتر در نماز جمعه حاضر شوید.

در یک روایت دارد که امام مسلمین، زندانیانی را که به‌خاطر قرض به زندان افتاده‌اند، روز جمعه یا روز عید، به نماز جمعه یا به نماز عید بیاورد و محافظ هم برایشان بگذارد و وقتی‌که نماز را تمام کردند، آنها را به زندانشان برگرداند؛ یعنی حتّی زندانی هم از نماز جمعه محروم نماند. در یک روایت دارد که «لو یعلم امّتی ما لهم فیها»[۳]، اگر مردم منافع این سه چیز را میدانستند، «لیضربوا علیها بالسّهام»[۴]، بر سر آن باهم منازعه میکردند. آن سه چیز، عبارت از اذان و زود رفتن به نماز جمعه و قرار گرفتن در صف اوّل است، که ممکن است صف اوّل جهاد یا صف اوّل نماز جمعه باشد.

...در یک روایت فرمود: «من ترک الجمعة ثلاثاً تهاوناً طبع الله علی قلبه»[۵]؛ هرکس سه جمعه پشت‌سرهم، از روی بی‌اعتنائی نماز جمعه را ترک کند ـ اگر کسی کاری داشته باشد، آن مورد بحث نیست ـ خداوند بر قلب او مهر میزند.[۶]

نماز «عبادی ـ سیاسی» جمعه

این نماز، نماز جمعه است؛ نماز اجتماع است؛ نماز روشنگری و

---

۱. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۲
۲. همان
۳. همان، ص ۱۹۷
۴. همان، ص ۱۹۷
۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶
۶. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

آگاه‌سازی آحاد مردم است؛ نماز اخبار از آفاق عالم، به مؤمنین و آحاد مردم است. بحمدالله، به برکت انقلاب اسلامی، ما مردم ایران که بخصوص در مناطق شیعه‌نشین، از این نعمت بزرگ و عبادت عظمی، محروم بودیم، یک بار دیگر از این نماز برخوردار شدیم. از آغاز کار هم اسمِ این نماز در کشور و جامعه‌ی ما «نماز عبادی ـ سیاسی» شد؛ یعنی هم به جنبه‌ی معنوی و تربیت و تهذیب نفوس و آدم‌سازی و گسترش روح تقوا در جامعه که از این نماز متوقّع بود، دقّت شد و هم به جنبه‌ی سیاسی آن؛ چرا که نظام اسلامی، یک نظام مبتنی بر آگاهی مردم است و اگر مردمْ آگاه و مؤمن نباشند، نظام اسلامی، درحقیقت، روح خود را از دست خواهد داد. این جنبه هم در نماز جمعه‌ی ما ملحوظ شد و مورد اعتنای کامل قرار گرفت و جمع کردن مردم بر کلمه‌ی «تقوا» و کلمه‌ی «دین» و کلمه‌ی «جهاد» و «اتّفاق کلمه» در همه‌ی امور، جزو ویژگی‌هایی شد که در این نماز ملحوظ گردید؛ لذا گفته شد: عبادی ـ سیاسی.[1]

نماز جمعه، نماد ذکر خدا و جنگ با دشمنان

نماز جمعه یک واجب سمبلیک است، یک سمبل و رمز است؛ اوّلاً نماز است و ذکر خدا است؛ ثانیاً سلاح است، حالت جنگیدن با دشمن خدا و با شیطانها است. امام جمعه که رمز نماز جمعه است باید عصای خود را سلاحی قرار بدهد و در مقابل مردم بایستد و اساسی‌ترین و لازم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل را در اجتماعی بزرگ از زبانی ایمن و مورد اطمینان با مردم در میان بگذارد.[2]

---

۱. در نهمین گردهمایی سراسری ائمّه‌ی جمعه ۱۳۷۲/۶/۲۸

۲. در اوّلین خطبه‌ی نماز جمعه پس از انتصاب از سوی امام خمینی(ره) به‌عنوان امام جمعه‌ی تهران ۱۳۵۸/۱۰/۲۸

احیاء نماز جمعه یکی از بزرگ‌ترین خدمات حضرت امام (رحمة الله علیه)

یکی از بزرگ‌ترین کارهای امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه)، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. نماز جمعه را ایشان به این ملّت دادند. سالهای متمادی بود که ما از نماز جمعه محروم بودیم، یا آن را نداشتیم. در جاهایی هم که خیلی به‌ندرت پیدا میشد، آن تأثیری را که نماز جمعه میتوانست در حکومت اسلامی داشته باشد، قهراً نداشت.[۱]

ملّت ایران، نماز جمعه نداشت و از این نعمت محروم بود؛ انقلاب به او نماز جمعه داد. در طول این دوازده سال، نمازهای جمعه نقش بسیار بزرگی در پیشرفتها و موفّقیّتهای این ملّت و این کشور ایفا کرده‌اند و سهم بسزایی در بسیج نیروها و سازندگی و هدایت سیاسی و دینی مردم داشته‌اند.[۲]

نماز جمعه، برهم‌زننده‌ی نقشه‌ی دشمنان اسلام

وقتی‌که نماز جمعه‌ی تهران تشکیل میشود و پشت سر امام جماعت انقلابیِ شیعی در تهران، رؤسای نهضتها و کشورهای اسلامی و موجّهان ملّتهای مسلمان در چند صف می‌ایستند و با خلوصِ تمام نماز میخوانند ـ که در طول این چند سال، ما دائماً چنین چیزهایی داشته‌ایم ـ دشمنان اسلام، از حقد و غضب پُر میشوند. این، درست ضدّ آن چیزی است که آنان برایش پول خرج کرده‌اند. انقلاب اسلامی آمد و همه‌ی نقشه‌های آنان را برهم زد؛ طبیعی است که در صدد مقابله برمی‌آیند.[۳]

علّت تبلیغات دشمنان علیه نماز جمعه

از اوّلی که نماز جمعه به‌وجود آمد و این نماز در همه‌ی شهرستانهای

---

۱. در دیدار با ائمّه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۹/۳/۷

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

۳. در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اوّلین روز از هفته‌ی وحدت ۱۳۶۹/۷/۱۱

کشور و بخصوص در تهران مردم را در مسائل گوناگون متّحد کرد و دشمنان دیدند که تا مسئله‌ای در کشور به‌وجود آید، همه منتظر روز جمعه‌اند که ببینند در منبر نماز جمعه، درباره‌ی این مسئله، چه موضع‌گیری‌ای میشود و بعد، همان موضع‌گیری فضای عمومی کشور میشود، بنای مبارزه با آن را گذاشتند. من به‌دقّت مبارزات شدید تبلیغاتی و حرفهایی را که در همان سالهای ۵۸، ۵۹ و ۶۰ درباره‌ی نماز جمعه میگفتند ـ که ما هم آنها را در نماز جمعه، گاهی ذکر میکردیم و رشته‌های آنها را پنبه میکردیم و تمام میشد ـ به یاد دارم. امروز هم، همچنان ادامه دارد. اگر کسی گمان کند که نماز جمعه، به‌عنوان یک کانون اجتماع ـ اجتماع در فکر، اجتماع در ممشای سیاسی، اجتماع در اهواء، در عواطف و محبّتها، و اجتماع در حرکتهای عمومی ـ از نظر دشمنان این نظام مغفولٌ‌عنه است، اشتباه کرده است. بازهم به نماز جمعه توجّه دارند؛ هرچه که بتوانند، علیه نماز جمعه کار میکنند.[1] اگر نماز جمعه میتواند ملّتی را به تربیت اسلام تربیت کند ـ تربیت اسلام یعنی آن تربیتی که توانست یک تمدّن را به‌وجود آورد و بر همه‌ی تمدّنها و فرهنگهایی که پیش از او در منطقه‌ی عظیمی از دنیا وجود داشتند، قلم نسخ بکشد و نماز جمعه وسیله‌ی تربیت اسلامی است ـ چرا نباید با آن دشمن باشند؟ چرا نباید علیه آن کتاب بنویسند!؟ چرا نباید دلارهای نفتی، صرف تبلیغات علیه چنین نماز جمعه‌ای شود!؟[2]

نماز جماعت

نماز جماعت؛ مظهر همدلی و همکاری اجتماعی

نشانه‌ی دیگر [حق‌گزاری نماز]، آبادی مساجد و افزایش نمازهای جماعت است، و این به معنای بُروز برکات نماز در سطح همکاری و

۱. در نهمین گردهمایی سراسری ائمّه‌ی جمعه ۱۳۷۲/۶/۲۸
۲. همان

همدلی اجتماعی است. بی‌شک این فریضه نیز با همه‌ی اتّکالش به عامل درونی یعنی توجّه و ذکر و حضور، همچون دیگر واجبات دینی، ناظر به همه‌ی عرصه‌ی زندگی انسان است و نه به بخشی از آن یعنی زندگی فردی و شخصی هرکس. و آنجا که پای فعّالیّت و نشاط دسته‌جمعی افراد جامعه به میان می‌آید، نماز همچون گرم‌ترین و پرشورترین عبادت دسته‌جمعی، نقش بزرگی را برعهده میگیرد. مظهر این خصوصیّت، همین نمازهای جماعت پنج‌گانه و نماز جمعه و نمازهای عید است.[۱] یکی از فواید نماز جماعت ـ آن‌چنان‌که ذکر شده است ـ همین است که مردم از حال هم مطّلع شوند.[۲]

نماز جماعت؛ عامل ایستادگی و شجاعت در مقابل دشمنان

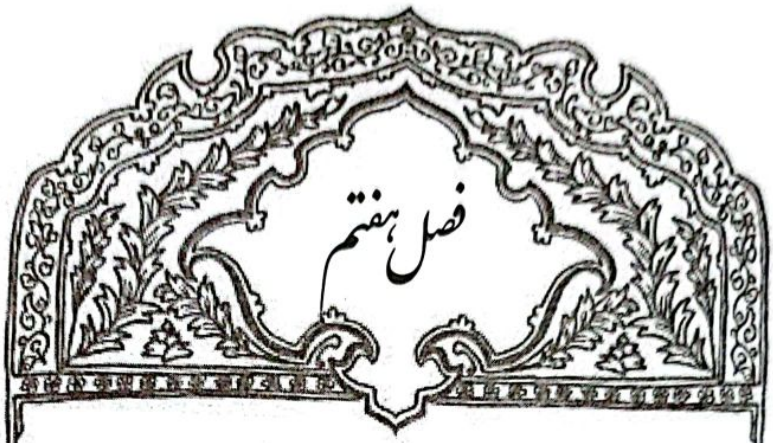
شما، ملّت عزیز، شما ملّت بزرگ ایران، شما ملّت مقاوم... علی‌رغم تلاش شیطان، توانسته‌اید بینی او را به خاک بمالید؛ او ضعیف شده است و شما ضعیف نشده‌اید؛ او بارها و بارها احساس ضعف و ترس کرده است، ولی شما احساس ضعف و ترس نکرده‌اید. شما ملّت، تا وقتی‌که متّحدید، تا وقتی‌که در صحنه‌اید، تا وقتی‌که با خدا ارتباط دارید، تا وقتی‌که ماه رمضان دارید، تا وقتی‌که حجّ خانه‌ی خدا دارید، تا وقتی‌که مسجد دارید، تا وقتی‌که نماز جماعت دارید، تا وقتی‌که امر به معروف و نهی از منکر دارید، تا وقتی‌که جوان بسیجی دارید، تا وقتی‌که انسانهای مؤمن و مبارز که حاضرند در راه خدا مبارزه کنند دارید، تا وقتی‌که رهنمودهای امام بزرگوار را دارید، از دشمن بزرگ و کوچک، از ابرقدرت و قدرتهای زیردست و دنباله‌رو او، از آمریکا و اروپا و از هر قدرت دیگری، هرگز باک نداشته باشید.[۳]

---

۱. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز در شیراز ۱۳۷۳/۶/۱۰

۲. در دیدار اعضای سمینار ائمّه‌ی جمعه ۱۳۷۱/۶/۳۱

۳. در حرم مطهّر رضوی(ع) ۱۳۷۲/۱/۵



بهار عبادت

(اهمّیّت توجّه به نماز در دوران جوانی)

دوران جوانی؛ بهار عبادت

وقتی ما جوان بودیم، یک عالمی بود در مشهد که با پدر من خیلی دوست بود، خیلی هم پیربود ـ آن وقت، به سنّ حالای ما مثلاً یا بیشتر ـ ما جوان بودیم، دوست میداشت ماها را، نصیحت میکرد و میگفت که قدر جوانی را بدانید که حتّی عبادت کردن هم مال جوانها است، نه مال پیرها؛ برای ما تعجّب‌آور بود، خب عبادت مال پیرها است، [امّا] او میگفت عبادت هم مال جوانها است؛ حالا این را همه حس میکنند. ببینید! شما دلتان زود نرم میشود، زود نورانی میشود، اشکتان زود جاری میشود، ارتباطتان با خدا زود برقرار میشود. این خیلی مغتنم است. این گرایشی که امروز در محیط جوان کشور به معنویّات وجود دارد، خیلی باارزش است.[1] این دل پاک و زلال را هرچه میتوانید، با منبع عظمت، با منبع حقیقت، با منبع زیبایی ـ یعنی ذات مقدّس باری‌تعالی ـ پیوند دهید و نزدیک کنید. اگر موفّق شدید، تا آخر عمر زندگی سعادتمندانه خواهید داشت؛ اگر حالا موفّق نشوید، بیست سال دیگر سخت‌تر است؛ اگر بیست سال بعد هم ـ که شماها ۴۰ سال، ۴۵ سال سنّتان است ـ موفّق نشوید، بیست سال بعدش بسیار بسیار مشکل‌تر است؛ یعنی در سنینِ کمتر از سنِّ حالای من؛ خیلی

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۴/۱۲

سخت خواهد شد؛ نه اینکه محال باشد، امّا مشکل است. حالا دل را به خدا پیوند بزنید.[1]

لزوم تمرین برای خواندنِ نمازِ خوب در سنین جوانی

جوانها اگر از حالا عادت کنند به نماز خوب، وقتی به سنّ ماها رسیدند، نماز خوب خواندن برایشان دیگر مشکل نیست. در سنین ما آدمی که عادت نکرده باشد به نماز خوب، نماز خوب خواندن ممکن است، امّا مشکل است. برای آنکه از جوانی عادت کرده به اینکه خوب نماز بخواند، یعنی نماز با توجّه ـ نماز خوب معنایش نماز با صدای خوش و قرائت خوب نیست؛ یعنی نمازِ با توجّه، با حضور قلب؛ قلبش در محضر پروردگار حاضر باشد؛ از دل و با دل حرف بزند ـ آن وقت این سجیّه‌ی او میشود و دیگر برایش زحمت ندارد؛ تا آخر عمر همین جور خوب نماز میخواند.[2]

توصیه به جوانان برای انس با نماز و انجام نوافل

توصیه‌ی مؤکّد این‌جانب به همه بویژه جوانان آن است که خود را با نماز مأنوس و از آن بهره‌مند سازند؛ یعنی اینکه نماز را با توجّه به معنی و با احساس حضور در محضر پروردگار متعال(جلّت‌عظمته)، به جای آورند و این کار را با تمرین، بر خود هموار و آسان سازند و تا بتوانند نوافل، مخصوصاً نافله‌ی نمازهای صبح و مغرب را نیز ادا کنند.[3]

لذّت ذکرالهی و انس با خدا؛ مافوق همه‌ی لذّتها

در جامعه‌ی جوان کشور بیش از دیگران باید به نماز اهمّیّت داد. جوان

---

۱. در دیدار صمیمانه و پرشور هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۳. پیام به‌مناسبت گردهمایی سالیانه‌ی نماز ۱۳۷۴/۶/۱۴

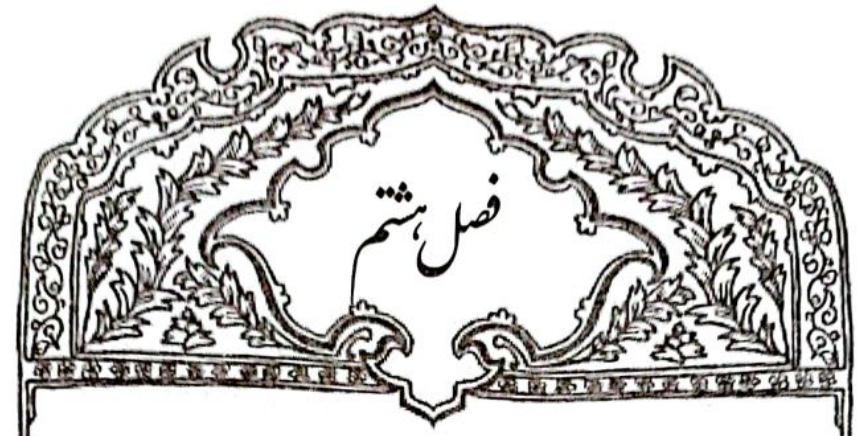
با نماز دلش روشن میشود، امید پیدا میکند، شادابی روحی پیدا میکند، بهجت پیدا میکند. این حالات بیشتر مال جوانها است، بیشتر مال موسم جوانی است؛ میتواند لذّت ببرد.[1]

آن جوانی که با وجود داشتن دل شفّاف و روح آماده، اصلاً لذّت ذکر خدا را نچشیده، از نماز لذّتی نمیبرد، از دعا، ذکر، تضرّع، گریه و انس با پروردگار عالم و از پیوند با زیباترین حقایق وجود که وجود مقدّس باری‌تعالی است، هیچ بهره‌ای نبرده است، این خیلی ناقص، محروم و قاصر است... اگر کسی لذّت ذکر الهی و انس با خدا را چشید، بدانید که هیچ لذّت دیگری به دهانش مزّه نمیکند. همه‌ی این لذّتهای زودگذر دنیا حتّی عالی‌ترین لذّات به نظرش بچّگانه می‌آید. آن کسانی که اهل این چیزها هستند، آنها صادقند و به ما این چیزها را گفته‌اند. هرکسی هم ممکن است بالاخره در مدّت عمرش، کم‌وبیش توفیقی پیدا کند و لذّت ذکر الهی را لحظه‌ای درک کند... نماز یک بار بر دوش انسان نیست؛ بلکه یک لطف و یک دریچه است. اگر خدا به من و شما اجازه نداده بود که با او حرف بزنیم، ما چه‌کار میکردیم؟ اگر انسان اجازه نداشت زبان به دعا و مناجات باز کند، چه میکرد؟ چطور میتوانست روح تشنه و گرسنه‌ی خود را اشباع کند؟ چه چیزی غیر از انس با خدا میتواند این روح تشنه‌ی انسان را سیراب کند؟[2]

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۸/۲۹

۲. در دیدار جمعی از اعضای تشکّلهای دانشجویی ۱۳۷۵/۹/۱۵



انقطاع الی الله...

(سیره ی عملی برخی از معصومین علیهم السلام
و اولیای الهی درباره ی نماز)

وصف امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) در محراب عبادت

ما اگر بخواهیم در میدانهای زندگی، آن راه مستقیم و صراط قویمی را که اسلام به ما نشان داده است با قدرت طی کنیم، احتیاج داریم که رابطه‌مان را با مبدأ اعلی، با حضرت باری‌تعالی محکم کنیم. این رابطه با دعا است، با نماز است، با اجتناب از گناه است. لذا شما ببینید امیرالمؤمنین ـ آن مرد شجاعِ استوارِ قوی‌ای که شجاعت او در میدان جنگ جزو مشهورات عالم است که هیچ‌کس در او اختلاف ندارد ـ او وقتی در محراب عبادت قرار میگیرد، «یتململ تململ السّلیم»، مثل مارگزیده به خود میپیچد؛ اشک میریزد؛ گریه میکند؛ پیشانی به خاک میساید. دعای کمیل و این مناجات شعبانیه‌ای را که منسوب به امیرالمؤمنین است نگاه کنید؛ ببینید چه تضرّعی میکند این انسان بزرگ و والا در مقابل پروردگار! این برای ما درس است.[1]

جِدّوجَهد حضرت زین‌العابدین(علیه‌السّلام) در نماز

طاووس[2] می‌آید خدمت امام سجّاد عرض میکند که شما این‌قدر خودت را اذیّت میکنی و عبادت میکنی و نماز میخوانی، این چه کاری

---

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم به‌مناسبت میلاد حضرت علی(ع) ۱۳۸۷/۴/۲۶

۲. طاووس‌بن کیسان خولانی یمانی (متوفّای ۱۰۵ ق)؛ مفسّر، فقیه تابعی، قاری، حافظ و راوی

است شما میکنید؟ آخر شما که پسر پیغمبر هستید، مادرتان زهرا است، تو این‌قدر گریه کردن نیمه‌ی شب لازم نداری، این‌قدر دعا کردن نمیخواهی، این‌قدر عبادت و جهد و زحمت لازم نداری؛ به امام سجّاد این‌طوری میگوید، بعد که حرفهایش را میزند امام عصبی میشود ـ یعنی لحن کلام پیدا است که امام عصبی است، در روایت نیست که عصبی شده‌اند، امّا لحن کلام این‌طور است ـ امام یک‌مرتبه در جواب او میگویند که: «دع عنّی حدیث أبی وأمّی وجدّی»؛ بگذار کنار صحبتِ پدر و مادر و جدّم را. «الجنّة لمن أطاعه»[1]؛ بهشت مال اطاعت‌کنندگان است.[2]

نماز و گریه‌های نیمه‌شب امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه)

یک علّت اینکه امام بزرگوار ما یک کلمه‌اش در این فضای عظیم عمومی کشور، در شدّت و محنت، در همه‌ی حالات اثر شگفت‌آوری میگذاشت، معنویّت او بود، صفای باطن او بود، ارتباط و اتّصال او به خدا بود، اشکهای نیمه‌شب او بود. فرزند امام ـ مرحوم حاج سیّداحمد ـ همان وقت در زمان حیات امام به من گفت: نیمه‌شب که امام بلند میشود، از بس گریه میکند، این دستمالهای معمولی برای پاک کردن اشکش کفاف نمیدهد؛ مجبور است اشک چشمش را با حوله پاک کند؛ این‌قدر اشک میریزد. آن مرد پولادین، آن مردی که حوادث و لطماتی به سمت او سرازیر میشد که یک ملّت را تکان میداد و او را تکان نمیداد، آن مردی که عظمت و هیمنه‌ی قدرتهای جهانی در نظر او هیچ‌وپوچ بود، آن مرد در مقابل عظمت الهی، در حال دعا و استغاثه، آن‌جور اشک میریخت.[3]

---

۱. مناقب آل ابی‌طالب(ع)، ابن‌شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۵۱
۲. همرزمان حسین(ع)، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۳۱۱
۳. در دیدار طلّاب خارجی حوزه‌ی علمیّه‌ی قم ۱۳۸۹/۸/۳

آخرین روز حیات امام(رحمة‌الله‌علیه)

حاج احمد آقا فرزند عزیز حضرت امام میگفتند: پیش از ظهر روز آخر حیات امام(قدّس‌سرّه)، ایشان روی تخت دائماً نماز میخواندند. مدّتی گذشت، بعد پرسیدند: ظهر شده است؟ گفتم: بلی. آن وقت خواندنِ نماز ظهر و عصر با نوافلش را شروع کردند. بعد از اتمام نماز، مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر میبردند، مرتّب پشت‌سرهم میگفتند: «سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الّاالله و الله‌اکبر، سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الّاالله و الله‌اکبر». این کار برای ما درس است. ما که رهبرمان را دوست داریم، باید به کارها و روحیّات او توجّه کنیم و از آن درس بگیریم.[1]

انس با معنویّات و عبادات در دوران نوجوانی

من در دوره‌ی نوجوانی ـ یعنی همان دورانی که تازه از دبستان بیرون آمده و طلبه شده بودم ـ به دعا و توجّه و توسّل خیلی اهتمام می‌ورزیدم؛ امّا این را که چه تصوّری از خدا داشتم، الان نمیتوانم چیزی به یاد بیاورم که درباره‌ی خدا چگونه فکر میکردم؛ کمااینکه انسان درباره‌ی ذات مقدّس پروردگار هم نباید خیلی فکر کند و راجع به ذات مقدّس پروردگار، در فکر فرو برود.

وجود خدای متعال، یک وجود بدیهی و روشن و واضحی است که همه‌ی وجود یک انسان، به او گواهی میدهد؛ یعنی اگر انسان دچار وسوسه نشود و خودش را در وسوسه‌ها غرق نکند، ذهن انسان، دل و جان انسان به وجود خدا گواهی میدهد. واقعاً وجود خدا حتّی به برهان و استدلال، احتیاج ندارد؛ اگرچه برهان و استدلال زیادی هم درمورد وجود پروردگار هست.

---

۱. در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

آنچه که آن وقت برای من مطرح بود و عملاً وجود داشت، این بود که اهل دعا و ذکر و دعاهای مأثور و اعمالی که وارد شده بود، بودم. مثلاً یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را به جا آوردم. اعمال آن روز، طولانی هم هست ـ لابد آشنا هستید؛ خیلی از جوانان با آن اعمال آشنا هستند ـ چند ساعت طول میکشد. اعمال، از بعد از نماز ظهر و عصر شروع میشود و اگر انسان بخواهد به همه‌ی آن اعمال برسد، شاید تا نزدیک غروب روزهای نه‌چندان بلند به طول می‌انجامد.

آن وقت من یادم است که با مادرم ـ چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجّه و اعمال مستحبّی بود ـ میرفتیم یک‌گوشه‌ی حیاط که سایه بود ـ منزل ما حیاط کوچکی داشت ـ آنجا فرش پهن میکردیم ـ چون مستحب است که زیر آسمان باشد ـ هوا گرم بود؛ آن سالهایی که الان در ذهنم مانده، یا تابستان بود، یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می‌نشستیم و ساعتهای متمادی، اعمال روز عرفه را انجام میدادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم میخواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، میخواندیم. دوره‌ی جوانی و نوجوانی من این‌گونه بود؛ دوره‌ی انس با معنویّات و با دعا و نیایش.

البتّه ما آن وقت از یک امتیاز برخوردار بودیم که اگر آن امتیاز، امروز در جوانی باشد، دعا و ذکر و نماز برای او شیرین خواهد بود و مطلقاً خسته‌کننده نخواهد شد؛ و آن توجّه به معانی است. ببینید؛ هرکس که از نماز خسته میشود، یا معنای نماز را نمیداند، یا توجّه نمیکند، وَالّا اگر کسی معنای نماز را بداند و به نماز هم توجّه کند، امکان ندارد از نماز خسته شود؛ اصلاً امکان ندارد.[1]

---

۱. گفت و شنود صمیمانه با گروهی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

فارغ از همه‌ی عالَم

مرحوم آقای قاضی میگوید من نماز خواندن را از آقا سیّد مرتضای کشمیری یاد گرفتم. شما ببینید معانی این کلمات چقدر عمیق است. ماها هم نماز میخوانیم و خیال هم میکنیم که نمازِ خوب میخوانیم. این مردِ عارفِ بزرگی که سالها پیشِ پدرش در تبریز تربیت شده بود و پیش رفته بود، وقتی می‌آید نجف [و] ده سال پیش مرحوم آقا سیّد مرتضای کشمیری میماند، میگوید من نماز خواندن را از او یاد گرفتم. آن‌وقت شاگردهای مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضی نقل میکنند که ایشان با همه‌ی [گرفتاری] ـ خیلی گرفتار بوده در زندگی، عائله‌ی سنگین و فقر و مشکلات ـ وقتی وارد نماز میشد، از همه‌ی دنیا غافل میشد؛ یعنی آن‌چنان غرق در ذکر و خشوع و توسّلْ در حال نماز بود که از همه‌ی عالم فارغ میشد. خب، این یک گذرگاه فوق‌العاده‌ای است؛ گذرگاه خاصّ‌الخاص است. برای ماها ازاین‌جهت حجّت است که ما بفهمیم این هم هست؛ این مقامات، این حرکت، این سلوک، این خلوص در راه خدا هست.[1]

اگر دنیا و آخرت را میخواهی نماز شب بخوان!

از مرحوم آقای طباطبایی(رضوان‌الله‌علیه) ـ صاحب المیزان که ایشان جزو شاگردهای نزدیک و مخصوصِ مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضیِ معروف، [آن] عارف بزرگوار بودند و سالها پیش ایشان تلمّذ کردند؛ از ایشان نقل شد، بنده خودم نشنیدم از ایشان، یک فرد ثقه‌ای[2] نقل کرد از مرحوم آقای طباطبایی ـ که آن اوایل وقتی وارد نجف شدیم، خب، آقای قاضی را که نمی‌شناختند، دورادور یک قوم‌وخویشی‌ای داشتند، میدانستند که

---

۱. در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت حضرت آیت‌الله سیّدعلی قاضی(ره) ۱۳۹۱/۴/۲۶

۲. مورد اطمینان

شخصی هست با این نام، از نزدیک با ایشان آشنا نبودند؛ میگفتند یک روز در یک راهی که میرفتم، آقای قاضی من را دید، صدا کرد و گفت: «پسرم! اگر دنیا میخواهی، نماز شب بخوان؛ اگر آخرت میخواهی، نماز شب بخوان.». این حرفِ مرحوم آقای قاضی است به آقای طباطبایی که خب الحمدلله خدای متعال خیر دنیا و آخرت را به این بزرگوار عنایت میکند. نماز شب را فراموش نکنید، از دست ندهید.[1]

نجوای نیمه‌شبِ میرزا جواد آقای ملکی تبریزی(رحمة‌الله‌علیه)

بندگان مؤمن و مخلصی که ما اسمهای اینها را شنیده‌ایم، حتّی وقتی کارهای اینها را برای ما نقل میکنند، برای ما درست مفهوم نیست؛ امّا واقعاً شگفت‌آور است؛ دو سه ساعت به اذان صبح بیدار شوند و شبهای ماه رمضان اشک بریزند. نقل میکنند مرحوم آمیرزا جواد آقای ملکی وقتی بیدار میشد، سر حوض آب می‌نشست تا وضو بگیرد، به آب نگاه میکرد، دعا میخواند و گریه میکرد و تضرّع میکرد؛ آب برمیداشت روی صورتش میریخت، گریه و تضرّع میکرد؛ به آسمان نگاه میکرد، دعا میخواند، گریه و تضرّع میکرد؛ تا وقتی‌که بیاید سر سجّاده بایستد و آن نماز شب و آن تهجّد پُرفیض و پُرحال و پُرطراوت را با عشق و شور انجام بدهد.[2]

انقطاع الی‌الله...

[در اوّلین روز تبعید به ایرانشهر] یکّه و تنها از [مرکز پلیس] بیرون آمدم و سراغ مسجدی را گرفتم. مرا به «مسجد آل الرّسول» راهنمایی کردند و مطّلع شدم که این تنها مسجد شیعیان شهر است. البتّه مساجد دیگری هم هست که به برادران اهل‌سنّت تعلّق دارد. مسجدی که به آن وارد شدم،

---

۱. در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۷/۱۱/۲

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷

در نهایتِ زیبایی و شکوه بود؛ با قالی‌های نفیس و گران‌بها مفروش شده و در حیاط آن، درختان بلند و جوی آب شیرینی بود نظیر آب تهران که به گوارایی و شیرینی مشهور است. احساس نوعی شادی و خوشی به من دست داد؛ زیرا هوای شهر گرم و لطیف بود و با طبیعت بدن من که سرمای سخت زمستان را تحمّل نمیکند، سازگاری داشت. منظره‌ی شهر هم باشکوه و زیبا بود. لباسها را از تن درآوردم و در گوشه‌ای گذاشتم، سپس وضو گرفتم و به نماز ایستادم. حالت انقطاعی به من دست داد که هنوز هم شیرینی آن در مذاقم باقی است؛ چون در آن ساعات، از خانواده و فرزندان و دوستان منقطع شده بودم و با همه‌ی وجود رو به‌سوی خداوند متعال داشتم. چنین احساسی آن‌قدر لذّت دارد که بیش از آن به تصوّر نمی‌آید.[1]

۱. خون دلی که لعل شد، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۲۷۸

خلوت اُنس



«هیچ وسیله‌ای مستحکم‌تر و دائمی‌تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی‌ترین انسانها رابطه‌ی خود با خدا را به‌وسیله‌ی نماز آغاز میکنند. برجسته‌ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز میجویند. این گنجینه‌ی ذکر و راز را هرگز پایانی نیست، و هرکه با آن بیشتر آشنا شود، جلوه و درخشش بیشتری در آن می‌یابد.»

پیام به اوّلین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدّس
۱۳۷۰/۰۷/۱۵

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی
انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله)
BOOK-KHAMENEI.IR
9 786008 218913